

انقلاب پرشکوه

کارگران و زحمتکشان ایران

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

رأبه گورستان تاریخ خواهد سپرد!

# پیکارگر

در خدمت  
وحدت رزمندگان کمونیست  
در راه ایجاد حزب طبقه کارگر

سال پنجم - مهر ۵۱۳۶۵

## چهره کردستان و جدال طبقات در جنبش

### انقلابی خلق کرد

در صفحه ۱



گرامی باد یاد  
رفیق پیشمرگه  
شهید پیکارگر

در صفحه ۲۹



مارکس درباره اعدا

در صفحه ۲۴

در صفحه ۲۲

### لیست اسامی شهدای پیکارگر

در صفحه ۲۲



رفیق علی رضا سعادت:

شهید طبقه کارگر،

شهید خلق کرد

در صفحه ۲۰۵



سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

## چهره کردستان و جدال طبقات در جنبش انقلابی خلق کرد

مقدمه :

مقاله ای را که در زیر ملاحظه می کنید توسط تعدادی از رفقا در کردستان تهیه شده و برای چاپ در "پیکارگر" ارسال شده است. این مقاله یک بحث ثنوری عمیق نبوده بلکه جمع بندی و انعکاسی از واقعیت های موجود در کردستان می باشد و آنجا که بسیاری از این واقعیت در سطح جنبش تحریف و پیا مسخ شده اند ما به درج این مقاله اقدام می کنیم. در ضمن آخافه می کنیم که ما با برخی از مواضع مندرج در این مقاله توافق نظر نداریم بعنوان مثال ما برخلاف نظر نویسندگان این مقاله ه کومه له را یک سازمان کمونیستی و بیانگر منافع کارگران نمی دانیم بلکه آن را یک سازمان غرده بورژوازی را دیکال و انقلابی ارزیابی می کنیم. همچنین ما با این مسئله توافق نظر نداریم که به روزی جنبش خلق کرد بدون به روزی جنبش انقلابی در سراسر ایران امکان پذیر باشد. توضیح دیگر این که در برخی موارد کلمات و یا جملاتی ناخوانا بوده و یا از قلم افتاده بودند که ما این موارد را به صورت نقطه چین (.....) مشخص کرده ایم. در باره نویسی مقاله نیز اصلاحاتی از نظر انشایی و املائی صورت داده ایم.

پیکارگر - مهرماه ۱۳۶۵

### نگاهی بر جنبش های خلق کرد :

ما جنبش خلق کرد را به سه دوره، از سال ۱۹۲۰ ( کودتای رضا شاه ) مورد بررسی قرار می دهیم. ولی قبل از باز شدن بحث اشاره ای به سابقه جنبشها و شورشی کرد برای ایجاد کردستان بزرگ نه تنها بی مفاسیت نبوده بلکه <sup>بیت</sup> کلکی در بررسی و آمفانی با مسائل مبارزاتی.

قیام های بزرگ فتودالهای کرد در قرن نوزده :

اولین جنبش مهم کرد سال ۱۸۰۶ در امیرنشین با بیان به رهبری عبدالرحمن پاشا صورت گرفت که شهر سلیمانیه را بنیادنها ده با تخت خویش کردند در سال ۱۸۰۸ از نیروهای عثمانی شکست خوردند در بهار سال ۱۸۳۲ میرمحمد حکمران امیرنشین " سوران " که تاسیس کردستان بزرگ را در سداخت با ارتش منظم ده هزار نفری توانست قدرت خود را در سراسر کردستان تحمیل کند. اما با دولت و توطئه عثمانیها شکست خورده در سال ۱۸۳۷ کشته شد.

# برقرار باد جمهوری سوسیالیستی ایران

سال ۱۸۳۹ فرصت مناسبی بود برای قیام کردها، زیرا نیروهای عثمانی از ابراهیم پاشا در سوریه بستگی شکست خورده بودند. بنا بر این اوتاع بدرخان بگ حکمران امپرنشین "بوتان" (امروز جزو سوریه است) دست بکار نمود و با ارتش منظم و با انضباط توانست تا اواخر سال ۱۸۴۰ نفوذ خود را بر مناطقی وسیعی از کرستان گسترش دهد. ولی در سال ۱۸۴۲ با توتلکه و دخالتهای فرانسه و انگلستان به وسیله دولت عثمانی شکست خورده، پس از این شکست (۱۸۵۳) زمانی که امپراتور عثمانی علیه روسیه تزاری - وارد جنگ جدید با روسیه برادرزاده بدرخان و از فرماندهان نیروهای کرد که در سال ۱۸۴۲ با تحریک عثمان یا علی بدرخان عیوش کردها و روسیه از شکست و از سوی حکومت عثمانی حاکم همکاری گردیده بود، در مرداد استفاده از این فرصت برآمد که کرستانی بزرگ ایجاد نماید. در سال ۱۸۵۵ وارد جنگ شد و با اینکه در تابستان همان سال تعداد نفراتش به صد هزار میرسد، ولی این عیوش نیز با توطئه‌ها و دخالتهای فرانسه و عمدتاً انگلستان به شکست انجامید.

بالاخره آخرین و مشهورترین قیام این قرن شیخ عبیداله نهری (۱۸۸۱ - ۱۸۸۰) مشهور به قیام عمزینان یا فکر یا چادک کرستان بزرگ بود و با اینکه رهائی از استبداد عثمانی را برای کردها طلب میکرد و علیه ستم ایران بر کردها نیز موضعگیری کرد. ولی با همکاری ایران و ترکیه و با پشتیبانی روسیه شکست خورد. با پایان این قرن و رعد آگاهی سیاسی و افکار عمومی، نخستین شبهه‌ها از زمانهای کرد در سال ۱۹۰۸ و بعد از آن بوجود آمدند. سالهای جنگ جهانی اول دوره بین ۱۹۱۸ - ۱۹۱۹ مناسبترین زمان جهت تشکیل یک حکومت ملی بود اما نه تنها چنین استقلال بلست نیامد بلکه کرستان که تا قبل از جنگ بین امپراتوری عثمانی و ایران تقسیم شده بود، بعد از جنگ بین چهار کشور ایران - ترکیه - عراق و سوریه که هر دو کشور اخیر پس از جنگ موجودیت یافته بودند تقسیم گردید. از مهمترین عیوش و قیامهای این دوره قیام شیخ سعید (سال ۱۹۲۵) در ترکیه، عیوش اسماعیل آفاسکو (۱۹۱۹) در ایران و بزرگترین و موفقترین آنها قیام شیخ محمود بزرنجی در عراق میباشد.

شیخ محمود در سال ۱۹۱۸ با کمک انگلیسها به حکومت رسید و سال ۱۹۱۹ به ملت درگیری و مخالفت با قوای انگلیس به هندوستان تبعید شد. در شهریور سال ۱۹۲۲ از تبعید برگردانده شد تا با استفاده از نفوذ وی جلوی عیوش -

نابود باد سلطه سرمایه

از سیون تا به زمان پیکار در راه آزادی و طبیب کارگر

ترکها در منطقه سعفود - شیخ بعد از با زکنت تشکیل کا بنه داده و دولت خود را اعلام نمود. در سال ۱۹۲۷  
انگلسها سلیمانیه را بدلیل اوچکیری مخالفتها با بیمان اوزان بدت بمباران کردند و در سال بعد نهر وها  
عراقی با پشتیبانی نهر وی هوایی بریتانیا حمله عدیدی را بمركز فمالتها ی با رتیزانی شیخ در مناطق  
مر وی متوجه ساختند. شیخ تا سال ۱۹۲۷ به مقامت و حملات خود علیه نهر وها ی عراقی ادامه داد و با لافره  
اینکه در سال ۱۹۳۰ بدنبال قیام سلیمانیه با ز سر به شورش برداشت ولی نتوانست دوام بیاورد.  
سهر تاریخی جنبش کردستان و زمیندهای عبتی :

پروسه ای که جنبش خلق کرد از زمان کودتای ۱۹۲۰ کودتای رضا شاه طی نموده بطور کلی شامل سه دوره است  
دوره رضا شاه ، دوره محمد رضا شاه و دوره خمینی که هم اکنون نیز این پروسه نه تنها با بیان نیافته بلکه با  
کیفیت بر تروجد بد تریه حرکت خود ادامه میدهد. بررسی جدا گانه و مختصر هر دوره و در عین حال نشان دادن -  
همیندما و ارتباطات دوره های مختلف با هم ، در بر چسته کردن مسائل مورد نظریحت ما را یاری خواهد کرد  
الف - دوره رضا شاه :

این دوران همزمان با دوره آتا ترک در ترکیه ، دوران سرکوب و اختنای خلقهای تحت ستم ملی است .  
عطش خوینییم حاکم در این دوران تا نا بودی فرهنگ کردها و نفی وجودی آنان پیش رفت . کتب کردی ،  
لباس کردی و حتی تکلم به زبان کردی ممنوع شد . در این دوره پس از قیام شیخ عبیداله شمزینی تقریباً  
هیچ واقعه مهمی که نشانه گر مبارزه کردها با عدروی نداد . بجز فمالتها ی اسماعیل آقا سکوه که این جریان  
نیز به بصورت یک جنبش بلکه به شتر بصورت آشوب عفره ای در بخشهای شمالی بود .

اسماعیل آقا یکی از فتودالهای گنده و سر عفره که میخواست در حکومت سهمی داشته باشد در طول سالهای  
تا آرا می جنبش مشروطه خواهی در ایران خود را تقویت نموده و با قوای روسیه مناسباتی برقرار کرد ( سالهای  
۱۹۱۱ ) . سکویا جنگیدن علیه مشروطه خواهان و قتل عام آخوریان ، در عین حال توانست سال ۱۹۱۹ ا روسیه  
و لباس را اعفال کند ولی با دعالت نهر وها ی دولتی عکست عسورد . فاصله سالهای ( ۱۹۲۵ - ۱۹۳۰ )  
سالهای توسعه بلا منازع سکویا بود و با لافره در سال ۱۹۳۰ به قتل رسید .

**خنگ و نفرت بر سلطنت طلبیان فراری این  
مزدوران امپریالیسم ، جاسوسان سیا ، ساواک**

البتّه عورهای نیز در بعضی مناطق جنوبی و مرکزیان بوقوع میبوستند که بصورت باغگیری و تشریحای عمیره ای بودند و همدگی نیز سرکوب شدند . احصایات ملی زیر سرکوب و اختلافی در این دوره اوج گرفته و روح فکریان برای بدست آوردن کتب کردی از کرستان عراق تلاش می نمودند .

### ب - دوره محمدرضا شاه :

تا شهبه روزی انقلاب سوسا لبتی اکتبره وجود ستم ملی، رعد و رونی کتب کردی و ملی گراشی و عا می بدن دهقانان از دست فئودالها و نیز وجود جنبش در کرستان عراق ضرورت تفکلی را ایجاد مینمود تا جنبش را از زمان دهد که تولد کومه لو ز - ک - ( زبانهای کرستان ) با سخی برای این ضرورت بود . این تفکلی با گرایشات سوسا لبتی همپا رزه برای خودمعتاری و حقوق زحمتکشان را در برنا مه خود برای اولین بار مطرح نمود . نظرات را دیگال این گروه در مدت کوتاهی باعث رشد عظیمی گردید بطوریکه در مدت کمتر از یکسال ۱۵۰۰ عضو در منطقه مها با دی خود جنب نمود . این گروه با مخالفت عورویها به حزب دموکرات کرستان ایران تغییر نام داد و با تدوین برنا مه خودمعتاری ه قاضی محمدرضا که عا می موردا اعتمادی در کرستان بود بعنوان رهبر این تفکلی برگزید . عورویها نماینده ای به نام باقراف به همراه جعفر بهمه وری صدر فرقه دمکرات آذربایجان فرستاده بودند که در این تغییر و تحولات نقش اساسی را بازی میکرد و تغییر کومه لو ز - ک - با به حزب دموکرات عمده است ) این حزب با توجه به اوضاع ناپایمان اقتصادی سیاسی آن دوره و با پشتیبانی ارتش سرخ بدون خونریزی و عفت قدرت را بدست گرفته و جمهوری مها با در اردوم بهمن ماه سال ۱۳۲۰ اعلام نمود . این جمهوری که تکیه گاه عمده اش سران عا می و فئودالها بودند کابینه ای به رهبری قاضی محمد و عمتا و اساتذ از همین عا می و بطور عیله محدودا زیبا زاریان کله گنده تشکیل داده و بدست بازده ماه حکومت کرستان را بدست گرفتند . از دستاوردهای این دوره آزادی بیان ، مطبوعات و رونق فرهنگ کردی را عمده میتوان نام برد اما به مسئله زمینی که مسئله عمده زحمتکشان و عا میل محرکه دهقانان در حمایت از حزب بود و کومه لو ز - ک - بر اساس چنین خواستی تشکیل یافته بوده حزب دموکرات و بعدا جمهوری اهمیت چندانی ندادند بطوریکه از برنا مه همت ماده ای حزب که همگی عمده حول و هوش مسائل فرهنگی هستند فقط یک مورد در بند ۵ از قوانین عمومی بین کسا و رزان صحبت میکنند و اظهار میدارند که با سخی توافق بوجود آمده هر دو طرف همتایی ارباب و دهقان تا من کرده . و با لاف در این هروسه مسئله زمین همچنان لاینحل باقی ماند . با وجود کوتاهی

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم ملتهاست

عمر جمهوری تضادهای داخلی در بر خور دبه خواستهای معقانان و زحمتکشان و ساخت و ترکیب طبقاتی دولت روز بروز حادثتر می شود و مردم چون بتلور خواستهای و منافع خود را در این حکومت ملی نیز نمی دیدند عملاً به باسوتیه کفیده عده و در حمایت از حکومت ملی بی طرف ماندند و سقوط زودرس جمهوری فرصت آنرا ندانند این تضادهای طبقاتی و بر عده که زمان نیز بریده ناسیونالیسم کوردا به تنی بنیان مانده بودند خود را بطور عمیان و اغکار مثلاً در شکل تقابل رودر روی زحمتکشان با دولت ملی نشان دادند اما در صورت نشان داد که ناسیونالیسم مستزوی در هر حال که با عنظر فیت گنجا بهی خواستهای طینانی مردم محروم را نادر و بی هیچ وجه با سخگوی ضرورت های مبرم ملت کردند نمی یابد. بنا بر این در توضیح و بررسی ماهیت و شکست این دوران در وهله اول باید به مسئله فوق انگفت گذاشت. البته عوامل دیگری نیز در شکست کم تاثیر نبوده اند ولی نشات گرفته از آن علت میباشد. از جمله: ۱ - فقدان رهبری صحیح (ساعت رهبری عشره ای - فتودالی، گاه گاهی - ورزوا - فتودالی بود) ۲ - نبود تشکیلات پیشرو (در این زمینه زمانه نمی نیز علمی نبوده و روحیه عشره ای فتودالی مسلط بود) ۳ - عدم توانایی در جنب زحمتکشان و عدم گسترش جنبش به نقاط دیگر (بتلور که عمدتاً در منطقه مها با خلاصه می شد).

بالاخره سقوط جمهوری با بیرون رفتن ارتش سرخ از کردستان که تنها تکیه گاه بحساب می آمده، فرار رسید. (بیرون رفتن ارتش سرخ از کردستان و آذربایجان در ارتباط با حل شدن مسئله نفت شمال و ساختن و باغختی آن دوره دولت شوروی با ایران بود)

کسانی که نتوانستند فرار کرده و بقیه تسلیم شدند. از کابینه فقط ۵ نفر به رهبری قاضی محمد مانده بودند که در روز ۱۰ فروردین ۱۳۲۶ در مها با اعدام شدند. در یوکان و سقز نیز هر کدام ۹ نفر که همگی از فتودالهای منطبق بودند به جوخه اعدام سپرده شدند و بدین ترتیب مقاومت چندانی نشد و نشانی از جمهوری نماند و دوباره با به اختتام رژیم تمامی آزادیهای ملی و فرهنگی و غیره اقلع و قمع نمود.

بعدها از این عکس تا دهه چهل فعالیتهای چشمگیری که نشانیگر یک مبارزه جدی با عده دیده نمی شود. اواسط این دهه (سالهای ۴۶ - ۴۷) در گذر دو حزب دمکرات و جریبان متفاد بوجود می آید. جریان فرار طلب و تسلیم طلب (همین رهبری امروز حزب) و جریانی که بانفی آنها بر مبارزه انقلابی پای میفرد. که بنام کمیته انقلابی متشکل عده و شروع به فعالیت می نمایند. این جریان که گرا بیانات مارکستی داشت

## افشاء و تردید ا کلیه الترناتیوهای بورژوازی

آرشیو اینترنتی سازمان پیکارگر در راه آزادی طبقه کارگر

با نقدگفته و با نقدجمهوری و با تکیه بر مردم و نهزبا تکیه بر ادا مه مبارزه مشروع به مبارزه مسلحانه کردند و مدت عرض - هفت ماه با این اسم در مناطق مها با دوسرقت فعالیت کرده و جنگیدند. در اس این جریان ملا آواره و اساعیل شریف زاده و مینعی قرارداد اعتدوا کتر اعمه شدند. این دوران همزمان با عسوری ملا مطفی در عراق بود و ملا مطفی نیز بنویسه خود در شکست این جریان چندان بی نقی نبوده. و بلاخره بمد از گنت سالها اولین نظهرات توده ای بعد از جمهوری در را بطه با شانت سلیمان یعنی بدست ملا مطفی و به نمایی گذاشتی جنازه اش از طرف رژیم در مها یا دبیر گزار شد.

با اینکه این جنبی به شکست انجامید و رژیم توانست با سرکوب و فرم ( این فرم شامل آمدن هیاتی ارضی ..... به کرستان جهت به اطلاع رسیدگی به مسئله هفتانان ..... ) زکود و تفعال را دوباره برای سالها در کرستان حاکم گرداند ولی با تمام اینها این جنبی حاوی تجربیات و دستاوردهای فراوانی بوده و در حرکتها ی بعدی کرستان مخصوصاً در تشکیل سازمان انقلابی زحمتکشان کرستان ایران ( کومه له ) تاثیرات مهمی داشت. عمده ترین خواست مردم در این دوران و نهزجهزی که بعنوان عامل محرك مردم در این جنبش عمل کرده اند مسئله زمین و رفع ستم ملی در ابعاد گسترده بوده است و جنبی نهزبر اساس چنین خواسته های با به عرصه گذاشت.

### ج - دوران قیام :

این دوران را میباید به چهار دوره تقسیم کرد این تقسیم بندی از لحاظ سیاسی - نظامی دارای اهمیت است که در بررسی موضوع آشکار میشود. دوره اول : از مقطع قیام تا ۲۸ مردادماه ۱۳۵۸ یعنی تا اولین پیروزی گسترده جمهوری اسلامی.

دوره دوم : از ۲۸ مردادماه ۵۸ تا ۲۵ آبانماه ۱۳۵۸

دوره سوم : از ۲۵ آبانماه ۱۳۵۸ تا ۲۹ فروردین ۱۳۵۹

دوره چهارم : از ۲۹ فروردین ۱۳۵۹ تا کنون

در میان این چهار دوره دو دوره از اهمیت خاصی در جنبش برخوردارند ( دوره های دوم و چهارم ) . این دو دوره جایگاه ویژه ای را در طول سالها مبارزه توده ای کسب کرده و به دوران مقاومت مشهور میباشد که هم اکنون نیز ادامه دارد. در این دوران مقاومت دلیرانه به همسرگان بهاری توده های زحمتکشی

کارگران جهان متحد شوید

www.poykar.org

در شهرها و روستاها در برابر تهاجمات نیروهای جمهوری اسلامی برای تصرف و اعمال حاکمیت ضد انقلابی، سرشار از جانفشانی‌ها و فداکاری‌هاست.

با اوج و گسترش مبارزات توده‌ها بر علیه رژیم سلطنتی شاه، در کرستان نیز همچون سایر نقاط ایران مردم بباخواستندولی در این بباخواستن ویژگی خاصی نیز وجود داشت که میتوان نداشتان دهنده تفاتی با سایر نقاط ایران باشد. چیزی که در شعارها و توده‌ای خود را بروز میداده، در اینجا غیر از شعار مرگ بر شاه که در همه جای ایران طنین افکن بود، شعار خودمختاری نیز با صدای رسا اعلام شده و شعار مرگ بر شاه با شعار خودمختاری توأم گردیده و بهم پیوند خورده بود و بعنوان خواست و آلترناتیو توده‌ای، در برابر سرنگونی شاه ارائه می‌شده، مقوله‌ای که سایر نقاط با آن روبرو نبود.

با خروش انقلاب و سرنگونی رژیم شاه پادگان‌ها با دهنیز همچون اکثر شهرهای ایران سقوط کرد اما با این ویژگی که تمام امکانات بدست مردم افتاده و مردم مسلح شدند. حزب دموکرات طی مدت قیام توانسته بود تا حدودی تشکلاتش را با ساززی کند و مردم نیز خواه ناخواه زیرا تور پسته حزب بعنوان تنها تشکل در کرستان قرار گرفتند.

نبود هیچ نشانه‌ای از حاکمیت رژیم در کرستان، مسلح بودن مردم، وجود حزب دموکرات و روشن فکران انقلابی و نیز سابقه تاریخی مسئله خودمختاری، عواملی شدند که مردم مبارزه را حول حاکمیت خودمختار مردم در کرستان پیش ببرند. از همان اوایل مردم نه تنها زیرا تور پسته آخوندها قرار نگرفتند بلکه از همان روزها عکس خمینی را نیز باره کردند.

جنبش دهقانی توسط خود زحمتکشان در جهت تقسیم اراضی و در تضاد آشکار با حزب دموکرات که خواهان تقسیم از با ثمن و بشیوه قهرآمیز و انقلابی نبود شکل گرفت. اعلام موجودیت کومله نیز در رابطه با این جنبش و مسئله خودمختاری، در جریان شهادت محمد حسین کریمی (روز ۲۶ بهمن ۱۳۵۷) صورت گرفت.

کم کم شوراها و محلی که توسط خود مردم مسلح ایجاد شده بودند در راه شهرهای مختلف را (به غیر از مهاباد که در زیر توتیته حزب قرار داشت) مخصوصاً در سقز و سنج به مفهوم تقریباً واقعی آن بدست گرفتند.

و با لایحه با اوج گیری مبارزات طبقاتی و ملی، توده‌های دهقانی و خوش نشینان در بخش وسیعی از کرستان در اتحادیه‌های دهقانی متشکل میشدند و کارگران و روشن فکران (اکثراً با تفکرات موسوم به خط ۲) همراه

پیش به سوی ایجاد حزب طبقه کارگر

از شیوه کارکن پیکار در راه ملی طبقه کارگر



با توده‌های مردم نیز اقدام به تشکیل اتحادیه‌ها، جمعیتها و دیگر تشکلهای دموکراتیک و توده‌ای در سراسر کرستان مینمودند و همزمان با تولد این نوع تشکلهای اتحادیه‌ای دهقانی، بریستر جنبش خودبخودی دهقانی که اثار رفت به ابتکار کومله و تحت رهبری آن بوجود آمدند.

مجموعه این شرایط و رشدگسترش رادیکالیزم، چندان امکانی برای رشد حزب دموکرات در میان توده‌ها باقی نماند و حزب نیز در برابر این جریان که در تضاد با آن رشد می‌کرد بی‌تفاوت نماند. عکس‌العملی که از همان اوایل نشان داد ترس از توده‌ها و سرکوبی و مهار آنان بود و از همان روزهای اول می‌خواست مردم را خلع سلاح کند. درمها با داعلامیه‌ای مبنی بر تحویل اسلحه‌ها در عرض با نژده روز به مقرهای حزب بخش نمود و تا حدودی این خواست را نیز عملی ساخت.

در مقابل غروش و اجگیری انقلاب در کرستان رژیم نیز ساکت ننهست و برای بازیگری دست آوردها و سرکوب انقلاب حمله خود را از سرندج شروع کرد. این شهر در عرض يك هفته با شکسته شدن مقاومتها و دلیرانه مردم بدست رژیم افتاد. فتودالها با رژیم بعنوان (جاش) همکاری کردند. در میرسنندج به سز نیز چندین بار درگیری جلوستون ارتشی را شدند و در خود شهر سز که همه مردم مسلح بودند، دوازده روز - درگیری و مقاومت بطول انجامید و حزب دمکرات نیز با نفا مردم در این جنگ شرکت کرد. این دوره مقاومت در تمام شهرهای کرستان با کمیت‌های متفاوت سپری شد و رژیم توانست در عرض این مدت ارگانهای سرکوب خود را اعم از یادگان و غیره سازمان دهد. اما در مقابل این بیورش و سرکوب نه تنها انقلاب سرکوب نشد بلکه موج طوفانده انقلاب همراه با خشم توده‌ها و تعرض بی‌امان پیشمرگان، دوباره رژیم را شکست داده و شهرها بدست مردم و نیروی پیشمرگان افتادند. خمینی از موضع ضعف فرمان صلی داد و دوباره تمامی ارگانهای مردمی برقرار شدند. طی این پروسه کومله با شرکت و رهبری جنبش دهقانی و با فعال بودن در تمامی صحنه‌های مبارزه در مدت سه ماه مقاومت توانست نیرویی پیشمرگی را سازمان داده و در شهرهای مختلف مقرهای سیاسی - نظامی بزند.

شکل گیری هیت نمایندگی خلق کرده:

در این مقطع هیت نمایندگی جهت مذاکره با رژیم تشکیل شد. این هیت با ترکیب حزب دمکرات بعنوان سخنگو، کومله، ما، موسا شیخ عزالدین خمینی و سازمان چریکهای فدائیی خلق بوجود آمد.

**پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته ترسازیم**

اهدائی که کلاً رژیم از این مسئله دنبال میکردند انجام و تحدید قوا و از طرف دیگر سیاسی و ایجاد ناامیدی در میان مردم و نیروهای فعال در کردستان، از طریق تفرقه در میان نیروها (تقریباً با تقویت حزب دموکرات و تضعیف کومه له) در پیش گرفتن سیاست مسامحات و به انتظار گذاختن و توهم پراکنی بود. حزب دموکرات در طی این مدت علیه مردم اعتراض مردم و هیئت نمایندگی مسئولین نظامی رژیم را به داخل کردستان و شهرها اسکورت میکرد. حزب در تمام طول این مدت سیاست سازش و مسامحات را پیشه گروه و عملاً به پیش میبرد. مسائل و سیاستهایش را که در حقیقت مسائل سرنوشتی مبارزاتی مردم بود بطور مخفی جلو برده و هیچ چیز را برای مردم علنی و آشکارا نشاند تا جاییکه با متماطل شدن سازمان چریکهای فدائیان خلق در طول پیرویه مذاکرات به طرف حزب و حزب دموکرات برنامه هفت ماده ای که توسط هیئت نمایندگی و سیاستمدان مردم و احزاب سیاسی، تصویب شده بود را زیر پا گذاشته و خودسرانه چیزی را که کار یکا توری از آن هم نبوده بمنوان خواسته های مردم اعلام و بطور مخفیانه و بدون اطلاع مردم و هیئت نمایندگی، سیاست طحی به تهران فرستاد. حزب تمام آرزوهایش رسیدن به سازش بود و تمام این کارها و سیاستها برای رسیدن به چنین هدفی طرح و اجرا میشدند ولی با توجه به اینکه رژیم، نه رژیم رفسم و سازش، بلکه رژیم ترور و سرکوب و رژیمی که هرگز با چنان سیاستهایی آشنا نمیشدند و ندادند، بود، طرح حزب به معنی طرح هفت ماده ای سازش فیزیفا چاره بن بست رسیده و شکست خورد. اینجا بود که حزب شروع به داد و بیداد علیه رژیم نمود. ولی این تبلیغات بر علیه رژیم با توجه به مجموع سیاستهای حزب در این مدت بهیچ از آنکه رژیم را در میان مردم افشا کند (مردمی که هرگز توهمی نسبت به ماهیت ارتجاعی رژیم نداشتند) خود حزب دموکرات را رسوا ساخت.

کوموله در تمام این زمینهها برخورد فعال و اصولی را پیش برد. از چاپ و انتشار هر روزه مذاکرات گرفته تا بحث و مشورت در مجامع عمومی و متیننگها در باره مذاکرات و غیره ..... و این امر موجب رشد و محبوبیت کومله در میان مردم شد. با توجه به رشد آگاهی توده ها در طول پیرویه مبارزه، دیگر نیروها نه صرفاً با حرف بلکه نسبت به پراتیک عملی شان محک خورده و مورد قضاوت توده ای قرار می گرفتند.

افتخار بورژوازی شهید بشماره ای که تا آخرین نفس به پیکار طبقه کارگر وفادار ماندند

فرارندانمان خلق در جریان انشعاب ۵۹، تعطیلی اتحادیه کمونیستها و فرار روسوانی توده‌ها، همگی در حقیقت فرار از چنین قضاوت‌های توده‌ای بودند. بالاخره با آگاهی مردم نسبت به نقشه رژیم برای ائتلاف وقت از یک طرف و انجام خود رژیم از طرف دیگر، همت نمایندگی شکست خورد. البته رژیم به طرح تفرقه اندازان میان مردم و نیروهای سیاسی نیز میخواست تا با عمل بی‌وفا نده که با انحلال همت با شکست مواجه شد.

دومین دوره مقاومت (از ۲۹ فروردین ۵۹ تا کنون) :

بالاخره با پیروزی رژیم از طرف کامپاران دومین دوره مقاومت شروع شد. اینبار با توجه به تجربیات گذشته، مقاومت با روحیه‌ها و سازماندهی از کیفیت عالیتری برخوردار بودند. در این دوره جنگ‌سندج ۲۴ روز طول کشید. جنگی که واقعا شهر را در آتش و خون معلق ساخت. مقاومت و رزم دلیرانه مردم دوش به دوش پیشمرگان و کمونیستهای انقلابی که این بار با حرکت فعال جزو بیضاندگان صفوف مقدم نبرد بودند، جنگ سرنوشتی را سازمان دادند که هم اکنون با کیفیتهای متفاوت در جریان است.

در طول این مدت از سال ۱۳۵۹ تا اواخر ۱۳۶۳ رژیم توانست با دادن تلفات بیشمار و نطفه‌های گوناگون و بالذکر کشتی دویست هزار نفری (و بعضی مواقع بیشتر) تقریبا تمام مناطق کردستان را اشغال کند. به ترتیب اول شهرها، بعد بیلندیهای سوق الجیشی، عجا دهها، دهات و حتی بیلندیها و غیره.

رژیم توانست برتریهایی از لحاظ نظامی کسب کند و بیجا را این کسب امتیازات خواهانها خواهرچند در مواقعی کم و زیاده دولی بهرحال تاثیراتی نیز بر جای گذارد. از کم شدن نیروی پیشمرگان تا تعدیل روحیه‌ها نسبت به واپس.

تمام کوهها و دهات کردستان، دره‌ها و رودخانه‌ها تا شهرهای که برچمهای خون‌برافراشتند در این دوره همگی تا هدفدار کارها، عجا نیازیها و عشق و رزیدنیهای ما دقت‌ترین انسانها در راه‌هایی بوده‌اند. افسانه‌هایی که قلم از نقلتان برآستی عاجز است، انسانهایی که برای آزادی و نمان از تنها هستی خویش یعنی جان خود نیز گذاشتند. مردمانی که برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت، همیشه کن ساختن فقر و گرسنگی و بیکاری و هزاران مسائل طبقاتی دیگر که درخواستهای اتحادیه‌های دهقانی و کارگری در شهر و روستا منعکس میشدند، بیجا خواسته‌اند، هرگز آرام نخواهند گرفت.

ویژگی‌های جنبش در دوره‌های مختلف تاریخی :

جنبش سالهای ۲۵ - ۱۳۲۴ که توسط بورژوازی هدایت و رهبری میشد، جنبشی بود اساسا ملی که در خواسته‌های عمومی مردم نیز تا حدودی برجستگی داشت. تقاضای بورژوازی کرد با بورژوازی حاکم آنها گونیه

ومبارزه بی‌آمان که حیات او را زیر سوال قرار داده و برجم رهاشی را نیز بردوش حمل کند نبود، بلکه اساساً میخواست با سهم شدن در قدرت، بورژوازی کرد را همدیف بورژوازی کل ایران قرار دهد. کاری که حزب دمکرات امروزه دنبال میکند. این بورژوازی نه در آن زمان چندان جنبه‌های مترقی داشت و نه امروزه اساساً چنین جنبه‌هایی را داراست، بورژوازی کرد با توجه به عقب‌ماندگیهای اقتصادی - سیاسی محتملی نه تنها مبارزه علیه فئودالیسم را نیز پیش نبرد بلکه اساساً در وحدت با آن علیه حکومت مرکزی برای دست یافتن به قدرت دولتی همچنان سیاست سازش را اتخاذ کرد و پیش برد.

بورژوازی با سوار شدن بر توم توده‌ها از طریق تکرار مسخ شده شعارهای آنان از قبیل خودمختاری و تقسیم اراضی رفع بیکاری و گرسنگی و غیره توانست امواج خروشان زحمتکشان را در جهت اهداف خود کمانا لیزه کند و اینبا رجنیش کرد به رهبری بورژوازی نه مثل دوره‌های گذشته صرفاً در حد ا بوزیمون ( همچون اسماعیل آقا که از حکومت طلب میکرد ) بلکه به صورت یک الترنا بتی توانست هر چند کوتاه و با کم و کاستها ولی در هر صورت زمام امور خویش را خود در دست گرفته و با تشکیل دولت حاکمیت خود را ( هر چند با دخالت و کمکهای دولت شوروی ) برقرار سازد.

جنبش‌سالهای ۴۷ - ۴۶ چندین گام از دوران گذشته جلو تر بود. رهبری این جنبش با قبول رهبری کارگران و زحمتکشان، با نقض زشکاری بورژوازی و با نقد ملی بودن صرف جنبش با برصه حیات گذشت. مبارزه مسلحانه را با تعریف اتکا به توده‌ها و به زیر کشیدن بورژوازی و فئودالها شروع کرد. هر چند این دوران خیلی کوتاه بود و خیلی کم توانست گسترش پیدا کرده و شعارهایش را در میان توده‌ها جا بیندازد ولی برخلاف شکستهای قبلی این شکست را فتمندانه بود و حاوی تجربیات و درسهای آموزنده‌ای بوده که بعدها نیز مورد استفاده قرار گرفتند. این جنبش برخلاف سنتهای قدیمی، سازماندهی را نه به شیوه عشیره‌ای بلکه در حد توان و دانش خود به طریقه علمی و انقلابی پیش برد.

در طول مدت ۱۰ سال تا مقطع قیام، بعدها ز شکست جنبش مسلحانه، هر کدو انفعال سایه سنگینش را بر کرستان انقلابی می‌گستراند و با رنسرما به داری و انجام اصلاحات ارضی تغییراتی در ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه روی میدهد. اقتصاد سرمایه‌داری با شکستن قید و بندهای چپا رچوب قالبی ملت، ملت کرد را در دو قطب مخالف هم ( داراها و نداراها سرمایه‌داران و زحمتکشان ) رودر روی یکدیگر قرار میدهد.

در آستانه قیام، کرستان از لحاظ ذهنی و عینی با توجه به دیگر گونیهای اقتصادی - اجتماعی و تجربیات گذشته، آستان انقلابی بوده، انقلابی که دیگر بورژوازی در نهنات توده‌ها نیز هر گونه رسالتش را از دست

از شیوه استاد سازمان پیکارگر راه آزادی طبقه کارگر

داده بود. در دوران قیام حزب دمکرات با چهره ای " انقلابی " و با برخورد عوام فریبانه نسبت به گفته دویاره در صحنه سیاسی کردستان ظاهر شد. اما با اینحال نه تنها نتوانست توهم در ذهنیه توده ها ایجاد نماید بلکه در پیرویه نه چندان طولانی بر تثبیت ذهنیه تها هر چه بیشتر دامن زد. حزب دموکرات میخواست خود را بعنوان یک جریان نسبتاً انقلابی و وفادار به جنبش جا انداخته و بیکه تا زمین گردده اما مردم کرد که تا همدلکرهای دپروز و امروز حزب در اتکا به سران عشا بره اربا بها تجار و غیره بودند عملاً از اسلب اعتماد نمودند. آگاهی و خواسته های مردم که اکثریت آنها کارگران و زحمتکشان میباشد اندکتر از تقایم فته که حزب را خیلی عاجز تر از آن میدیدند و میداند که توان پاسخگویی به این مسائل را داغته باغده. جریانی که در قلوب داراها ایستاده بود راه دبگیری راجز معاشات با بورژوازی حاکم از طریق پاسو کردن توده های بیباخته عدم سازمانیه و تسلیح عمومی و حتی اقدام به خلع سلاح آنسان نمی توانست پیش برد.

وجود چنین جوی غلامی در فضای سیاسی کردستان در دفاع در حقوق زحمتکشان ایجاد نسموده بود بخلافی که میبایستی با برافراشتن پرچم کارگران و زحمتکشان در کردستان جواب داده میشد و کومله با برداشتن این پرچم و با بیان نقدی نسبتاً اصولی و تا حدودی واقع بینانه به گفته با اتکا به توده های زحمتکش، با سازمانیه و تسلیح آنان، با حرکت در جنبش دهقانی، با نما بندگی خواسته های رادیکال و مترقی مردم و با مبارزه قاطعانه علیه رژیم، با به عرصه گذاشتن ( البته کومله از سال ۴۸ موجودیت پیدا کرده بود منظور در این بحث با گذاشتن کومله بطور علنی ..... ) و اثرنا یستوی عدل برای غلام موجود. این مقطع نقطه تکاملیست در جنبش کردستان، تسفیه ری کیفی که جنبه طبقاتی جنبش نسبت به جنبه های صرفاً ملی برجستگی خاصی پیدا میکنند و مسئله دمکراسی، نوع رژیم حکومتی و مبارزه برای خواسته های دبگر عمدتاً از این زاویه مطرح میشوند، یعنی با رشد جریانی در مبارزه که با دورانیهای پیشین کیفیاً متفاوت بوده و با حرکت این جریان، مثلاً صمات و اصطکاکهایی در درون جنبش ( که تا آن زمان محام تعریف میشد ) بین دو قطب داراها و نیدارها جورژوازی و کارگران و زحمتکشان از زمان اوائل زمان هیست نما بندگی بوجود می آیند که خود را در تضاد و اختلافات بین حزب دمکرات و کومله نشان میدهند.

نقش و تاثیرات جنبش انقلابی خلق کرده در جنبش سراسری و با لمکس ؟

مبارزه ای که میشود گفت تقریباً بطور دائم علیه تم و دبکتا توری با کیفیتهای متفاوت در کردستان جریان داغته توانسته مخصوصاً در پیرویه رشد سراسری داری در جریان ارتباطات با با زا راهای مختلف صدور نیروی

کار به نقاط مختلف و غیره با نگرش را پیش را بگوش همگان رسانده و بعنوان تریبون نقی بزرگی را در افشای رژیمهای حاکم ایفای نماید و در طول دوره های مبارزه به عنوان پشت جبهه ای برای جنبش سراسری در ارتباط با ارتباطات و تدارکات و مسائل دیگر عمل کند. اینک در کردستان بعنوان جزئی از نظام و مناسبات سرمایه داری حاکم بر ایران، تقابل کار و سرمایه هر روز با دو سهمتری بخود میگرد و تمامی مسائل در رابطه با این تضاد اساسی عمل میکنند. دیگر امرها مربوط به رهاست، امری که با ظهور امپریالیسم و انقلاب کبیرا کتبریا به عرصه نهاده و هر مسئله با بستن از زاویه منافع پرولتاریا مورد بررسی قرار گیرد.

بنا بر این تعیین جایگاه کردستان در این میان نیز از زاویه چنین منافع مطرح میباشد. جنبش کردستان در این رابطه بمثابه سنگریزه بدار انقلاب در ایران و سنگر پرولتاریا و زحمتکشان برای کسب دمکراسی است. مسئله ملی که اینجا عمل میکند پیروزی امپریالیست پرولتاریا است، بخشی از آن در کردستان بوده و با هزاران پیوند عمیق ناگسستی با پرولتاریای سراسری و جهانی در ارتباط میباشد. احساس طبقاتی که میان پرولتاریای کرد و سایرین وجود دارد لاجرم منجر به نزدیکی و پیوندهای سیاسی و مبارزاتی شده و پیوند نزدیکی تشکیلاتی نیز برایشان کاملاً ممکن و عملیست.

خواستهای کردستان همان خواسته های سراسریست، با این تفاوت که پرولتاریا در اینجا با حل مسئله ملی می باید بعنوان وسیله ای برای جلب اقبال دیگر و در درجه اول بعنوان گامی در جهت کمک به پرولتاریای سراسری و زحمتکشان در جهت سرنگونی رژیم سرمایه و برقراری دیکتاتوری خود استفاده نماید. انحرافات که در این زمینه بروز میکنند ناشی از تعریفهای ناسیونالیستی بوده که توسط رهبری های کوتاه بینی ارائه میشوند. جدا نمودن کردستان از مسائل دیگر با تئوریهای محدودکننده ای از قبیل اینکه "در جنبش کردستان فقط مسئله کرد مطرح است" یا عدم دخالت در امور همدیگر" تا تشکیل "حزب کمونیست کردستان" تئوریهایی هستند که پرولتاریا را بمثابه یک طبقه منفی کرده و در مقابل بورژوازی از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی به ورشکستگی میکشاند. اما مرزبندی اصولی با این انحرافات جهت درخشیدن به دیدگاههای سوسیالیستی، می باید پدید و میداد حرکت تئوریکی از در بررسی و کند و کاو مسائل جنبش انقلابی خلق کردی تا ثبوت کبیرا بین واقعیت با عدکه این جنبش انقلابی بمثابه سنگریزه بدار انقلاب بدون دخالت و کمکهای جنبش سراسری همچنان با برجها مانده و پیش می رود و با تاثیر گذاری برج جنبش سراسری بطرف پیروزی ما حرکت می کند.

اما نقش و تاثیرات جنبش سراسری در رابطه با کردستان :

تاثیرپذیری جنبش انقلابی خلق کردوحتی اوضاع و احوال سیاسی کردستان از جنبش سراسری مقولسه‌ای است غیر قابل نفی . اما مسئله اساسی در این مورد میزان و چگونگی تاثیرپذیری میباشد یعنی تعیین جایگاه جنبش سراسری در رابطه با کردستان ، مسئله‌ای که میتواند ما را به انحرافات غوینستی دچار نماید . از زمان رضا شاه که نگاه کنیم جنبش این خلق و سرزمین در پیوند نزدیک و تاثیرپذیرا از اوضاع سراسری بوده . اگر جنبش‌ها و تشکلهای سراسری سرکوب شدند در اینچاهم وضع به همین عنوان بوده ، اگر دولت در سراسر توانسته خود را تثبیت نماید در اینچاهم همین گونه . ولی تمام اینها آیا نشان دهنده آنست که هر تغییر و تحولی در کردستان بسته به تغییر اوضاع در کل ایران است ؟ جواب منفی است چرا که مسئله تاثیر یوده نه تعیین . در مجموعه شرایطی حتی در پیرو سه‌ای خیلی طولانی ممکن است این تاثیر پذیری در حد عالی ( ماکزیموم ) داغته و در شرایط دیگر در حد نه چندان محسوس ( مینیوم ) باشد .

در ارتباط با این مسئله جنبش که سال ۵۷ علیه شاه برپا شده ضمن فعال کردن مردم کردستان در مبارزه ضدشاهی همچنین بعنوان نیروی محرکه‌ای عمل نمود که مردم کرد در رابطه با خواسته‌هایشان آگاهانه تریه میدان آیند . این تحلیل که جنبش کردستان ادا مقیام است از جهاتی بدون در نظر داغتن زمینه‌های - عینی و تاریخی اعتباره بوده ولی بیان يك واقعیت است . کردستان بعد از شکست و سرکوبهای گذشته و تقریباً با تلافی حزب دمکرات هم چنین بعد از شکست سالهای ۴۶ - ۴۷ با تثبیت رژیم در کل ، دوچار انفعال و رکود شده بوده قیام ۵۷ زنگ پایانی را بر این اوضاع نواخت و فصل دیگری را از کتاب مبارزاتی خلق کردورق زد . عینیت‌های فشرده تاثیرات جنبش سراسری را میشود در اوضاع کردستان - از مقطع قیام مشاهده کرد اینک چرا در کردستان صرفاً به شعارهای خودمختاری بسنده نکردند مچرا اعلام دولت در کردستان انجام نگرفت مچرا اکنون نیز مردم کردستان تا حدودی پیروزی خود را به قیام سراسری و سرنگونی رژیم گره زده اند ( حداقل از لحاظ روحی ) تمام این مسائل همگی بنیان آن واقعیت تاثیرپذیری هستند . ولی با تمام اینها آیا جنبش کردستان از مقطع خرداد ۶۰ که به شکست و انهدام احزاب و سازمانهای سیاسی منجر شده و روحیات و شرایط مبارزه انقلابی جای خویش را به رکود و انفعال سپرده تاثیرپذیری یوده ؟ آیا چنین شرایطی در کردستان هم پیش آمد یا نه کردستان ۱۰۰۰۰۰۰۰ از شرایط و اوضاع سراسری هم چنان پابرجا مانده و پیش میروید تا نسیم آنرا ندانده خود را به بروز گردانند .

واقعیتهای عینی و پروسه فوق به عینۀ نشان میدهد که جنبش انقلابی خلق کردچنین پتانسیلی را دارا بوده و میتواند ۰۰۰۰۰۰ با کسب پیروزیها به خواستهها پیوسته با بدبیا اینکۀ جنبش سراسری میتواند نداشتی را حتی خیلی مهمی در این رابطه داشته باشد. ولی پیروزی این جنبش منوط به پیروزی در کل نمیباشد.

وضعیت کردستان از لحاظ اجتماعی سیاسی نظامی

قبیل از اصلاحات ارضی مناسبات فئودالی و استعمارو حشیا نه معنائی توسط فئودالها و زمینداران بزرگ در تعدادی از نکتۀ عماره اکثریت مردم را در قید و بندهای مناسبات فوق به بندخون کشیده بودند و در اثر عدم آگاهی و وجود فقر زیادهفراهای نارواشی را تا تسلط بر زنان و غیره بر مردم اعمال میکردند. ولی چیزی که از پیروزی این تضادهای آغشی نا پذیر جلوگیری میکرد ففراها و قسدریهای حکومت مرکزی و حشرب و ستم بسیار شدید مردم کوچکهای اجباری و غیره بودند که تحت عنوان کرهه را در یک پوشش بسیار سطحی ملی زیر چتر همان فئودالها قرار میدادند. در واقع تضادهای داخلی بوسیله سرکوبیهای رژیم زیر پرده مانده و در مقامی که ففراها از بین میرفت خود را به عینیه نشان میدادند. البته این امر فافی وجود مسئله ملی بعنوان خواست زحمتکشان نمیباشد. خواست ملی برای زحمتکشان در پیوند و توأم با خواست نان، کار و آزادی مطرح میباشد. مسئله موجودت ما یزگزازی در رابطه با این خواسته از طرف دو طبقه مختلف میباشد.

تضاد دو طبقه خود را در کردستان در درون جنبش ملی از همان اوایل پدیدار شده و انعکاسش را از همان آغاز بر سر رهبری جنبش و بطور واضح در کومله - ز - کاف نشان میدهد. کدام طبقه یا بدجنبش را رهبری کنند آنها زحمتکشان یا فئودالها و سرمایه داران؟

در این دوره سران عفا پیرو فئودالها با تلاشهای بسیار خواستند رهبری جنبش را از دست زحمتکشان که توسط کومله - ز - کاف پیش برده میشد خارج کنند که در سایه عدم آگاهی مردم و سوار شدن بر توهمات آنان از طریق مسئله ملی و هم چنین در ساخت و پاخت با حکومت مرکزی موفق هم شده و عملاً رهبری را قبضه کردند.

انحصاری که در سال ۴۶ در حزب دموکرات رخ داد و بوجود آمدن و فعال شدن کمیته انقلابی را در عرصه مبارزه طبقاتی باعث شد در حقیقت بسیار نگر جدائی صف زحمتکشان از صفوف بورژوا - فئودالها بود.

بعد از قیام سال ۵۷ در فعال کومله بیان خواستهها و تمایلات کارگران و زحمتکشان در رابطه با خود مختاری و کسب رهبری جنبش بوسیله این طبقه در کردستان است. در این دوره با توجه به رشد جنبش از لحاظ تاریخی (به مفهوم طبقاتی) و درک مفاهیم سیاسی از جمله دیمکراسی (به مفهوم اعتلا سیاسی) خواست



خلق کردن نیز همبازی این مسائل رسد کرده، آزادیهای فردی سیاسی، اجتماعی، اعمال حاکمیت توسط عوالمی منتخب مفرکت مستقیم در ادارات موریا سخ به مسائل اقتصادی از جمله حل مسئله نان و بیکاری - پاسخ به مسائل دهقانی و مکانیزه کردن کشاورزی و رونق دامداری و رفاه عمومی از جمله بهداشت و بیسوادی و غیره..... از جمله خواستههای مردم را تشکیل مینهند که خیلی روشنتر و آگاهانه تر از قبل بیان شده اند. با این تعاریف دیگر مسئله ملی پرایی زحمتکشان به صورت مطرح نبود، و در چهارچوبهای رفیعی امثال حزب دموکرات نیز نمیگنجد بلکه این مسئله دقیقاً در پیوند با کلیه مسائل که مطرح است.

### وضعیت سیاسی

بررسی موقعیتهای کومله، حزب دموکرات و رژیم هم چنین توازن قوا و روحیه تودهها میتواند تصمیمگیری از اوضاع سیاسی به دست دهد. با این نکته مختصراً به بحث فوق بپردازیم. حزب دموکرات که امسال چهلمین سالگرد تأسیس را جشن گرفت، بعد از قیام با سوار شدن بر توهّمات تودهها، میا واقع بین تر شدن - نسبت به گذشتهها و در این رابطه، بر خوردهای عملی به بعضی از ضعفهای قبلی اش از قبیل محدود بودن به شهرها و محدودی اصلاح مکتب کار و غیره ای سنتی، تدوین و جانداختن برنامه و اساسنامه و با تمرکز خود مختاری در پیوند با مبارزه سراسری یعنی طرح شعار دموکراسی برای ایران و خود مختاری برای کرستان در حقیقت با سیاستی نسبتاً روشن در میدان فعالیت حاضر شده و مجدداً خود را با بسازی کرد. این جریان از نفوذ سنتی خویش کماکان در میان اقل رسنقی دهقانی برخوردار بود. (بخصوص در مهاباد) مناقی دیگر نفوذ حزب را بترتیب میتوان نام برد. ۲ - خانم ۲ - سردشت ۴ - اشنویه ۵ - سوما براد دولت ترگه و رومرگه و ۶ - سقز و بوکان و ..... خیلی بائین مرهوان و سنندج ... حزب در اوایل با توجه به مسائل که آغاز شده و عمدتاً با سوار شدن بر توهّمات توانسته بود بیشترین نیروی توده ای را سازمان داده و دنیا لای یکمدولی امروزه این توازن بکلی از بین رفته و هر چه زمان بیشتر میگردد این توازن بیشتر به حزب تمام میشود. ولی روی هم رفته از نفوذ در میان اقل رسنقی برخوردار است که خواستهها و تمایلات بورژوازی کرد و اقل ریلای کرستان را نماندگی میکند. عمدتاً طرفداران سازش و مداخلات با دولت مرکزی بوده و برای پیش برد این سیاست از هرگونه سرکوب حرکتها ی را دنبال غفلت نکرده و نمی کند. از سرکوب و خلع سلاح سازمانهای مخالف گرفته تا اعدام روستائیان زحمتکش که به جرم مخالفت با سیاستهای سازش و جنگ طلبانه حزب در جلو خا نهان میباشان تیرباران میشوند.

کومله .

کومله با شرکت فعال در جنبش معقانی با شرکت فعال در جنبش مسلحانه و مبارزه علیه فتوایها در دفاع از حقوق زحمتکشان بمثابه نماینده ورهبر سیاسی تمايلات افکاربا نهم جامعه ( کارگران و زحمتکشان ) با به عرصه مبارزه فعال آنها دو تشکیل نیروی پیشمرگ در پیروهای به برنامهد و تاکتیکهای روشنی نیز دست یافت و بالاخره توانست با پیش برد سیاستهای خود توازن قوا را برهم زده و صاحب نفوذی به ترتیب در این مناطق گردد . ۱ - سنج ۲ - مریوان هدیواندره ۳ - سقز ۴ - بوکان و مهاباد ۵ - سرپس - درخانه و اغنویه و نفوذچندانی نداشته و اخیرا در منطقه سومایرادوست هم فعالیتها بی داعتند و لسی در همه جای کردستان کومله بعنوان قلبی در مقابل حزب دموکرات و مخالف با سیاستهای سازفکارانه و برای همه مردم شناخته شده بوده . و نفوذ دارد و هم اینک جنگی را در دو جبهه علیه رژیم و جنگ تحمیلی را علیه حزب دمکرات پیش میبرد .

رژیم جمهوری اسلامی .

پایگاه بسیار رکم و ضعیف در میان اقلیتی خیلی ناچیز از اقمار مرجع مذهبی دولت مند شهر و روستا دارد . در میان مردم بسیار منفور بوده و حاکمیتش فقط مبتنی بر سلطه نظامی ، قهر و سرکوب و در بعضی مواقع با درک ضرورتها بی رفرمهای جزئی اقتصادی میباشد که از این رفرمها مسئله تقسیم زمین بوسیله هیئت هفت نفره ( که داستانهای خاصی دارد ) تراکتور و به قدرت برقی رسانی به روستاهای سیرجاده های اصلی ( که اینهم عمدتا در جهت نیازهای خود است ) میباشد و در اکت ، توپ و خمپاره به تمامی مردم بعنوان همدردی و کمک برای رفع نیازهای زندگی . امروزه دیگر توده ها نه تنها به ماهیت رژیم که از همان اول نهمیسی برده بودند بلکه با گترش سطح آگاهی های سیاسی در سایه هشت سال پیکار خونین در جنبش انقلابی ، تا حدود زیادی نیز به منافع طبقاتی خود در درون جنبش پی برده و نقاط ضعف و قوت آنرا هم شناخته اند و در ادامه همین مسائل به جنگ حزب دمکرات و کومله که ادامه کمکهای همان منافع طبقاتی است بر خوردی کاملاً آگاهانه دارند و مثل سابق از توهمات ملی گرایانه بسیار رطبی ( که امروزه عقب تر از آنها چریکهای فدائی با عمار کردکشی و برادرکشی برچسب دار شده اند ) حرکت نمی کنند بلکه با بسی بردن به غمق این اختلافات و درک ضرورتها لزوم آتش بس و مذاکره را نیز احساس کرده و خواستار هستند ، البته با حرکت ایزان - مواضعی اصولی آتش بس که ممکن است برای دست یافتن بدان جنگها خود را بدهم حتی هرگز چنین آتشی بسی بوجود نیاید . اینک با از دست دادن مناطق آزاد شده و عدم موفقیتها بی که در این زمینه حاصل شد که

میتوانند تا حدودی بعنوان عکس نظامی نیروی پیشمرگ از رژیم بحساب آید از یک طرف و از طرف دیگر عدم اتکا به توده‌ها و سازمان‌دهی آنان با آگاه‌گیری هرچه بیشتر و روغنتر جهت شرکت مستقیم در مبارزه طبقاتی (از طرف حزب دموکرات بنا به ماهیتش و از طرف کومله بدلیل تفکرات التقاطی معدم لیاقت و کاردانی در امر سازمان‌دهی توده‌ها خصوصاً زحمتکشان که گرایش و کشف بیشتری به این طرف داشته و دارند و برداختن به جنگ با رتبه‌زانی متکی به نیروی پیشمرگ) و در همین راستا کارماندن توده‌ها از صحنه اصلی نبردها تقریباً جنبش لجابرنوعی رکود گرفته که با انفعال تعداد زیادی از پیشمرگان و آشفته و بی‌سوی شدن توده‌ها نسبت به گذشته همراه می‌باشد. و جنگ حزب دموکرات و کومله بعنوان یک عامل منفی در دامن زدن به این جو عمل می‌نماید.

وضعیت نظامی

برای اغفال کرستان و سرکوب نیروی پیشمرگ رژیم طرح نظامی دو مرحله‌ای داشت که مرحله اول اغفال مناطق و مرحله دوم محاصره و سرکوب نیروی پیشمرگ بود که خود این طرح در ۵ طرح و نقشه که آخرش بنام طرح حمزه سیدالشهدا مشهور گشت، با نیروی انسانی بسیار زیاد و امکانات خیلی برتر و زیاد با ایجاد هماهنگی بین نیروهای ارتش، سپاه پاسداران، ژاندارمری، بسیج، جاسوسهای محلی و در مواردی قیاده موقت اجرا شد که عمدتاً از طریق تحمیل جنگ‌جیب‌های و دادن تلفات بی‌مسا سرانجام بعد از مدتی توانست به هدف مرحله اول طرح (بر اساس تقسیم بندی که در طرح وجود داشت) دست یابد، ابتدا اغفال شهرها، محله‌ها، اصلی ارتباطی، مراکز جمعیت روستائی و بدین ترتیب اغفال تمام دهات.

مرحله دوم محاصره و سرکوب، در این مرحله رژیم گردانهای ضربت نامنظم را سازمان داد که بصورت تقریباً چریکی عمل میکنند و با کمک جاسوسان محلی و با ایجاد پایگاههای متعدد در نجیره‌ای که در هر زمان و موقعیتی بتوانند نیروی پیشمرگ را به محاصره در آورده و با خسته و فرسوده ساختن سرکوبش نمایند. اما رژیم در این طرح ابتدا موفق نبوده و فقط ضربات خیلی فرعی توانسته به نیروی پیشمرگ وارد آورد. چنانکه در حال حاضر شاهدیم که به هیچ عنوان نه تنها نیروی پیشمرگ سرکوب نشده بلکه در عمق مناطق اغفالی با وجود تمامی مشکلاتی که در سر راه قرار دارد هر روز ضربات کوبنده‌پی در پی را در سر استان برپیکر رژیم وارد می‌نماید.

### نیروی پیشمرگ

جنگ انقلابی کرستان علیه رژیم جمهوری اسلامی، جنگی که توسط نیروی پیشمرگ و مردم با امکانات محدود و ضربات کوبنده و جبران ناپذیری را بر نیروهای تاندندان مسلح دشمن وارد آورده و می‌آورد و جنگی

که با پشت سر گذاشتن فرازونشیب های تندنوز خواب دشمن را به کا بوس مرگ تبدیل نموده است را می توان به سه مرحله تقسیم کرد:

- ۱ - جنگ مقاومت توده ای شهرها در دو مرحله ۲۸ مرداد تا ۲۵ آبان ماه ۵۸ و ۲۹ فروردین ۵۹ به بعد
- ۲ - مقاومت بهیمرگان در اطراف شهرها و مقاومت در برابر اغفال مناطق روستائی ( جنگ دفاعی نیروی بهیمرگ با کمک مردم )
- ۳ - جنگ با رتیزانی نیروی بهیمرگ در واحدها و قیماهای چریکی با رتیزانی ( جنگ و گریز ) وضعیت کنونی .

۱ - جنگ مقاومت شهرها توده ها را چنان بسیج کرده بوده که مردم با امکانات تسلیحاتی خیلی پائین صرفاً با تفنگ ها، نارنجک و کوکتل و بطور سازمان یافته و خود بخودی ستونهای نظامی دشمن را درهم شکستند . تمام امکانات تدارکاتی بوسیله خود مردم که در این میان زنان و دختران نقش خیلی فعالی را ایفا میکردند تامین میشده این روزها هر روزهای حماسه ها بوده روزهایی که مردم را آنچنان شورا انقلابی فرا گرفته بود و آنچنان روحیه های مقاومی پیدا کرده بودند که همه جا صحبت از جنگ و مقاومت بوده و در همه جا کلمه معروف کردی " شهری مالی و گیانی له گهل رژیم " ( جنگ جانی و مالی با رژیم ) از زبانها شنیده میشد . در این جنگ نیروی توده ای تعیین کننده بود و نیروی بهیمرگ نقش جنبی را ایفا میکرد و نهات به عنوان پشت جبهه عمل می نمودند .

۲ - صحنه اصلی نبرد در این مرحله روستاها بوده و نیروی بهیمرگ بمثابه ارتشی در مقابل نیروهای دشمن جنگهای دفاعی را برای حفظ مناطق پیش بردند و عمدتاً از طریق جنگهای جبهه ای تحمیلی از طرف رژیم گام به گام عقب نشستند و رژیم توانست با دادن تلفات زیاده تری ها بی کسب کرده و مناطق را اغفال کند . در این مرحله نیروی بهیمرگ در سرتاسر کرستان مقربو بایگاههای ثابت سیاسی - نظامی داشته و نقش اصلی را در تمام طول مرحله برعهده داشتند و جنگ دفاعی را با اعتبارات تاکتیکی سازمان داده و پیش بردند .

۳ - جنگ با رتیزانی حفظ نیرو و وارد کردن ضربات براه کننده و ایجاد ناامنی در مناطق دشمن که با امکانات محدود و نیروی کم نیز عملی است از ویژگیهای این مرحله جنگ میباشد . مرحله جنگ و گریز که مهمترین تعیین کننده ترین اصل این جنگ حمایت توده ایست . بدون این فاکتور تداوم چنین جنگی هرگز امکان پذیر نخواهد بود . مثله ای که امروز توده ها با تسنفر کامل از رژیم در کرستان و با حمایت و کمکهای بیرونی به نیروی بهیمرگ اصل فوق را عملاً اجرا میکنند فقط در سایه کمکهای مردم در زمینه های مالی

آنوقت و خبررسانی، راه‌نمایی، مفاسد، انتقال و مداوای زخمیها و غیره است که نیروی پیشمرگ توانسته با حضور این همه نیروی دشمن (حدوداً دویست هزار نفر) و گروههای ضربت و پایگاههای متعدد و غیره به حرکتی نظامی خود ادامه دهد و گرنه با توجه به اوضاع بدون وجود چنین حمایتی توده‌های حرکت به هیچ عنوان امکان پذیر نمی‌باشد. در ادامه این بحث بد نیست به نکته‌ای نیز اشاره شود.

وجود یک ستاد هماهنگی مشترک میتواند با تاثیرات جدی نقشه‌های خالی را در رابطه با جنگ ایفا نماید ولی چیزی که در کرستان هرگز عملی نشده است مسئله بود. نیروی نظامی پیشمرگ عملاً شقه شده و با دلایلی که این منطقه فلان نیرو است و آنجا بهمان همایچه‌ها را ول کرده و با مقاومت چندانی نشان نداده و عقب می‌نشستند و با دلیل عدم هماهنگی در بین نیروها، توان و کارایی نیروی پیشمرگ به درجات خیلی پائین نزول می‌کرده. وجود یک ستاد نه تنها میتواند تمام این مسائل را از میان بردارد بلکه با اختیار گرفتن کل نیرو و تمامی امکانات تسلیحاتی و غیره طرحها و نقشه‌های نظامی را میتواند بی‌ریزی و عملی کند که در دفاع از مناطق آزاد و گسترش جنگ انقلابی خیلی مؤثر شورا واقع شوند.

وضعیت نیروهای سیاسی دیگر موجود در کرستان از لحاظ سیاسی - نظامی .

اقلیت . بعد از انصاف سازمان چریکها و فرار اکثریت اقلیتی در کرستان ماندن و ولی هرگز نتوانستند به آثورتی که در گذشته و نیروی سابق دست پیدا کنند تنها با حفظ مقرری اعلام حضور کرده و در این پروسه نیز تا حدودی استقلال خود را از دست داد. و در راستای حزب دمکرات قرار گرفتند، جریانیست که هرگز بر سببهای جنبش انقلابی را رعایت نکرده و عمدتاً سرگرم توطئه و بندوبست در جهت منافع تنگ گروهی خویش با دیگران است.

جریانیست محدود و بی‌و نفکران، با نفوذ تشکیلاتی بسیار محدود، فعالیتهای نظامی عمده را با همکاری حزب دمکرات بشیوه پراکنده نابینا کرده، در حقیقت بصورت یک حرکت نمایی و بعنوان تاکتیکی برای حفظ خود و رسیدگی به امور خویش.

چریکهای فدای خلق - آخسار

فعالیتهای پراکنده‌ای هم با حزب دمکرات و هم با کومله داشتند با توجه به حرکت جدی سحدتوانان آنها و خود در جنگ انقلابی تا حدودی صاحب اسم و رسمی شدند هر چند تاثير سیاسی - نظامی نداشتند که حکایت از کمیت و کیفیتشان دارد ولی با توجه به همکاریهایی که با نیروی پیشمرگ کرستان داشتند تا حدی

میباشند تحولات درونی این جریان از یک طرف و روندی که در پیش گرفتند عمدتاً برگشت به عقب از طرف دیگر با تبدیل به یکی از حاشیه ای ترین جریانات سیاسی شدند و عمدتاً به طرف حزب دمکرات نزدیک میشوند. راه کارگر - جریانی ناشناخته برای خلق کرد که اساساً فاقد پایگاه و نفوذ بوده تا اوایل سال ۶۴ یکی از عقب مانده ترین و پستیوترین نیروهای جنبش بود از لحاظ نظامی هم اکنون نیز گمانها که تاثری نداشته اند و نادرمان از لحاظ سیاسی در رابطه با فعال شدن تمامی روزبرونیستها از جمله تسویه ایها و اکثریتیها این جریان نیز تا حدودی فعال و یکی از صادق ترین و فعالترین و فداکارترین دوستان حزب دمکرات میباشد که بقول خودش پرچم بی افتخار سرگریه عطار " فرمانده ویژه حزب دمکرات در جنگ با کومله منطقه جنوب " را همیشه برافراشته نگه داشت.

گروه موسوم به اشرف - چریکهای فدائی خلق - جریانی که بدنبال غریبات پلیسی بریکر تمام نیروهای سیاسی کردستان را بعنوان جان پناهی امن برای خویش برگزید. همانطور که از ایده آمدنش بیه کردستان پیداست و چندان رابطه ای با جنبش انقلابی نداشته و نداشت. حرکتش نیز در همین راستا ربطی به پیشبرد جنبش ندارد. یک کلمه خلاصه کنیم که میتوان نشان دهنده جوهر تمام حرفها و تلاشهای این جریان باشد. " تشکیلات همه چیز جنبش هیچ چیز " اگر تمام حرکات و نوعتهایشان مورد بررسی حتی نه چندان عمیق قرار گیرند نکته ای و چیزی غیر این یافت نخواهند که در آن تمام مصالح جنبش خوراک و غذائی تبلیغاتی " رفقا " برای علم کردن تشکیلات کاسپیکارها نشده باشد. از لحاظ سیاسی - نظامی نیز هیچگونه نقش و تاثری نداشته و پیش از آنکه آشنای کومله باشند دوست دمکرات میباشد.

" اتحادیه سرداران " - در اوایل شرکت نسبتاً فعالی بخصوص در جنبش دهقانی و اتحادیه های دهقانی داشتند و به دلیل فعالیتهای عملی نیز توانستند تعدادی را بعنوان پیشمرگ حول تشکیلات خویش در تشکیلی بنام " تشکیلات زحمتکشان " سازمان دهند اما در مقطع جنگ ایران و عراق با توجه به تحلیلشان از ماهیت دولت و جنگ بناچار مقرهایشان را جمع کرده فرار را برقرار ترجیح دادند و بدین ترتیب برای همیشه در تشکیلات زحمتکشان را نیز رختخنده نمودند. البته بعداً زحمتکشان و بن بستها در عمل و نظر دوباره با پرروئی تمام بدون اینکه حتی به گذشته خود نظری بیاورند فکندنبه کردستان باز گفتند و در سایه این جنبش و در امان سلسله ای پیشمرگان قهرمان زنده امور تشکیلاتی خویش رسیدگی می کنند و بدون آنکه در رابطه با مسئله کردستان لیبی شرکت کنند درگیر خواب و خیالهای انقلاب جهانی و نظایرات ضد جنگ اروپا و غیره هستند.

ولی نه پیشمرگان آگاه و نه خلق قهرمان کرده گز از کرده های سوسیال پانسیونها که به خون هزاران شهید

قهرمان راه آزادی و سوسیالیسم و به قدرت جنبش انقلابی لم داده اند و همچنین اپورتونیستهای که نشان را به نرخ روز میخورند بدون آنکه خم برابر آورنده نخواهد گذاشت. موج خروشان انقلاب در بیجا بهیچ آنار... خون خواهد ساخت، البته گروههای ریز و حاشیه‌ای دیگری نیز موجود هستند از جمله " هویت سازمان تولدنیفا فته کار ۱۰۰۰۰ اما از آنجائی که این جریان‌ها بیشتر به دکان شیاطت دارند تا تفکیرات چند نفری از عناصر سیاه و مسانده و سرخوردده را در خویش جمع کرده اند از ذکر آنها خودداری میشود.

### گروههای اسلامی

خسبانات • جریان‌های وابسته به عراق که از لحاظ سیاسی، مالی و تبلیغاتی نیز از آنجا تغذیه میشوند. ( شروع جنگ وایران عراق ) گروهیست اسلامی عمیقاً ارتجاعی و وابسته‌گر که هیچ گونه نشاط‌نمایی حتی ترقی خواهی بورژوازی نیز در آن دیده نمیشود. متکی به اقتدار مذهبی عقب مانده و عقانیت آنها در عقب مانده ترین مناطق کردستان ( عمدتاً نواحی بانه ) است. این جریان سازگاری چندانی نیز با برتضاهای شخص شیخ با حزب دموکرات ندارد.

مجاهدین خلق • بنا به مواضع و سیاست‌های که در مقابل رژیم داعت در کردستان بچونام بوده و هستند بعد از جریان‌های ۳۰ خرداد و تشکیل شورای ملی مقاومت و ائتلاف با حزب دمکرات به کردستان راه یافته و تا حدودی بعنوان هم پیمان آن حزب شناخته شدند. مراسم و رسمی هم که اینجانبست آوردند در سایه این ائتلاف بوده از نفونسیاسی در میان توده‌ها و روشنفکران به هیچ عنوان برخوردار نبوده و مردم بیشتر از زاویه بی اعتمادی به این جریان نگاه میکنند. از لحاظ نظامی نیز شرکت کاملاً نمایشی و عوامفریبانه‌ای هراز چندگاهی در مناطق مرزی بانه و سرشت جهت تزئین صفحات مجاهدبراهمگان روغن است. از مدت‌ها پیش در محورها‌های مرزی یا ارتش عراق همگاری نزدیک داغته و بعنوان پاسداران آینده کردستان در میان مردم مشهور میباشند.

### جنگ حزب دمکرات و کومله

بررسی این مسئله را از سابقه تاریخی آن یعنی از ابتدای پیروسی که روندتکاملی سرانجام به جنگ سراسری ختم گفت، باید شروع نمود زیرا که بدون تحلیل و دنیا ل کردن این پیروسی مسلماً نخواهیم توانست آن سیاست‌های را که جنگ ادا ما را گزیر آنهاست پیدا کرده و تحلیل واقعی از ماهیت جنگ ارائه دهیم.

اولین اصطکاک.....

به کسیدن سلاحها عدو که در قبال تا حدودی روغن تریبان عدو از این مقطع حزب دمکرات تبلیغات همبستر یک خود را علیه کومله و جریانات چپ دیگر از جمله عمدتاً پیکار شروع کرد در شد و آنجا نسبتاً آنها ی قاطع کومله برای حزب دمکرات عملاً مسئله آفرین و سد راه سیاستهای سازشکارانه عدو بودند و حزب با آگاهی کامل به این مسائل از همان روزهای اول برنامه ریزی را شروع کرد و بلاخره از آسمان و زمین کلمه سازا و هچی " ( آغویگر ویا " سازا و هچی " خواندن او کومله هم کلمه سازشکار را در مورد حزب بکار بست . دو کلمه ای که سرخط تمام برخوردها و نظرات بودند و در ادبیات جنبش کردستان نیز بطور رسمی جا افتادند .

حزب نگران از وجود کومله تبلیغات دیوانه وارش علیه کومله را به تبلیغات ضد کمونیستی در مناطق تحت نفوذ خود تبدیل نمیکرد . با چنین جو سازی ضد کمونیستی اولین تعرض خود علیه کومله را با خلع سلاح یکی از مقرهای کومله در روستای بیتوس منطقه آلان آغاز نمود . این حمله همزمان با دومین کنگره کومله بود . تباکتیکی که کومله در پیش گرفت افسا گیری سیاسی از طریق دست زدن به یک جو... سیاسی با حضور تعداد زیادی پیشمرگ در منطقه ای وسیع برای تبلیغ نظرات و سیاستهای کومله و افسا ی عمل کرد و سیاستهای حزب دمکرات بود عملی که علیه حزب و کاملاً به نفع کومله تمام عدو البته در آن زمان کمیّت نیروی پیشمرگ کومله را اقدام نکردن به عمل متقابل نیز ضعیف بود .

در ادامه همین خط بعد از این جریان حزب سیزده فقره دیگر به همان شیوه به منظور ضربه زدن به کومله اقدام به حمله کرد ( در اطراف مهاباد - سرست و کامیاران ) . تا کتیک کومله که عمدتاً غافلگیر میشد ، افسا گیری و در مواردی دفاع بوده است که در تمام موارد با بیان یا فتن درگیری و اعلام آتش بس هیئت تحقیقی تشکیل میشد و مسئله را حل و فصل نمیکردند . اکثر این درگیریهاها ما نظور که گفته شد غافلگیرانه و یکطرفه بوده و ولی در چند مورد در اطراف مهاباد کومله ضمن دفاع از خود با وارد آوردن ضرباتی کاری بر حزب ، تا حدی توان رزمی پیشمرگان را نیز نشان داد که دیگر زمان جلورفته و نمی توان ندبه آسانی و غافلگیرانه ضربه وارد کرده و با هیئت تحقیق به مسئله خاتم دهد .

حزب با کسیدن و ارزیابی کردن از چنین اوضاعی برنامه حملات زنجیره ای را کنار گذاشته و تقریباً به مدت طولانی جنگ علیه کومله را قطع کرد . حزب تمام این درگیریهای محلی را که عمدتاً دوسه روز بطول میانجا میداد تا عوام مغربیان توجه به مکر دوپا شکستن کاسه کوزهها بر سر مسئولین مناطق برده بر روی سیاستهای جنگ طلبانه می انداخت حتی در این توپیهات عوام مغربیان نیز عوام مغربی میکرد و هرگز در هیچ موردی " عا ملین این درگیریها را " را بگفته خودش به مردم معرفی نکرد .



در همین اوضاع احوال حزب در شهر بوکان ( که آن موقع ست نیروی پیشمرگ بود ) شروع توطئه و طرح ریزی علیه گروه‌های سیاسی چپ و ناپودی فضای دمکراسی نمود. حزب با اتخاذ موضع انتقام جو یا نه علیه کمونیست‌ها که با استفاده از دمکراسی ( که دستاورد انقلاب و نیروی پیشمرگ بود ) علناً سیاست‌های سازشکارانه حزب را با قدرت تمام افشا میکردند و در مقابلش می‌ایستادند. با اعلام این شعار که " کلیه کسانی که علیه حزب انقلابی عورش و انقلاب هستند " شروع به حمله کردند و تیرا اول را ب طرف پیکار که سرخط این جریان‌هاست بودند نشان رفت و در بوکان و یکی از روستاهای اطراف، مقرهای پیکار را به آر - پی - جی بست و با خلع سلاح پیکار و طولانی و با اعلام حکومت نظامی در شهر تقریباً تمام دهکده‌های نشریه فروغی گروه‌ها را نیز جمع کرد و دو تن از نشریه فروغی‌ها را پیکار را سربرید. اما حزب قضیه را به همینجا خاتمه نداده و سیاست فوق را محدود به بوکان نداشت. اوضاع انقلابی و فعالیت گروه‌های رادیکال هر روز بیشتر چهره عوام فریب و سازشکار حزب را آشکار میکرد. دیگر حزب نمی‌توانست به دمکراسی تن دهد زیرا که عملاً هر لحظه اش به زیان‌های جبران ناپذیری تمام میشد. بنا بر این در ادامه همین سیاست در کامیاران نیز به مقر پیکار حمله نمود که پای کومه له هم به درگیری کشیده شد که یکی از سیزده فقره درگیری‌ها میباشد. البته با دفاع و حمایت مردم، حزب هرگز نتوانست به طرح‌های خود در رابطه با از زمین بردن فضای دمکراسی و ناپدید شدن مقرهای پیکار جامعه عمل بپوشاند. بطور مشخص در روستای بویکتان که حزب برای خلع سلاح آمده بود با دفاع مردم بدون درگیری حفظ شد.

بالاخره در پیروسی‌ای که اکثر جریان‌ها چپ به رد لایلی از صحنه سیاسی ناپدید شدند جنگ تبلیفاتی هم بین حزب و کومه له ( تنها بازمانده از این طیف با انجام سیاسی - نظامی ) بالا میگرفت. تبلیفاتی که گام به گام جنگ سراسری را از طرف حزب برای ناپودی کومه له اعلام میکرد. جنگی که میبایستی برای سازش و مناسبات راه‌راه‌ها و زمین‌ها را خالی نماید. و بالاخره حزب چنین اوضاعی را که با درگیری‌های سنگین زمین‌هاش فراهم شده بود ( درگیری که با کشته شدن ۱۴ تن از حزب و ۱۳ نفر از پیشمرگان آموزشی کومه له تقریباً در حالت تعادل پایان گرفته بود ) با تعرض اورامان در ۲۵ آبان بوجود آورد. تعرضی که با کشتن اسرا و زخمی‌ها و آتش زدن در مانگا و غیره همراه بود. کومه له اینبار نه به تانک دفاع و انفجاری سیاسی صرف، بلکه به تعرض متقابل در ۲ بهمن دست زد و حزب دمکرات که در کنگره همسنگ جنگ سراسری با کومه له علناً اعلام کرده بود، عملاً کرستان را به طرف جنگ داخلی سراسری کشید. آتشی که هم همیش را حزب فراهم آورد و هم شعله‌اش را برافروخت و هم اینک بعد از گذشت یکسال برخلاف خواست جنبش انقلابی و توده‌های خلق کرد از خاموش کردنش سر باز میزند.

مختصری در اعراضه به علل و ماهیت جنگ :

بورژوازی ناپدیدگرونا توان حزب دمکرات با آن پروسه تکاملی که از سال ۲۴ تا سال ۵۸ از ۵۸ تا ۶۲ و از ۶۲ تا ۶۴ طی کرده به عینش نشان میدهد که جنبش را نمی توان ندیده سوی پیروزی ها رهنمون سازد. چنین جریانی تنها از طریق اعمال حاکمیت زور و با از بین بردن دمکراسی راه را برای مداخلات و مداخلات می تواند هموار کرده و خوب بشتن را به ریکه قدرت برساند. چیزی که سر استار تاریخ فعالیت حزب و بخصوص جنبش انقلابی چندان به شاهدش بوده است. و جنگ فعلی در همین رابطه جنگی است بین دمکراسی و اعمال حاکمیت خدا انقلابی.

حزب نه دیروز چشم اندازی داغته و نه امروز نقطه امیدا انقلابی دارد و نه برای فردا دورنمایی در جنبش انقلابی. تنها نقطه امید حزب این است که جنبش انقلابی را در معرض معامله قرار ندهد و سالیان است که این کار را انجام میدهد چه در رابطه با خدا انقلاب حاکم ( جمهوری اسلامی ) و چه در رابطه با خدا انقلابیون اپوزسیون از شورای ملی مقاومت گرفته تا توده ای ها و غیره.

اما قدرت جنبش انقلابی در مجموع عرصه را بر این بازا معامله تنگ کرده و حزب تنها از طریق اعمال قهر و زور می تواند در چنین قدرتی را از بین برده و بقول خودش صاحب کردستان گردد کاری که تا بحال از انجامش غفلت نکرده و همیشه آغاز جنگ بوده و در کستی زهروان دمکراسی هیچ گونه ابایی تا بحال نشان نداده و بقول معروف هر کجا دست افش رسیده همانجا کشته و جنگ فعلی نیز در ادامه این سیاستهاست که بهر پیغمبران کومه له تحمیل میشود و کومه له در حالت دفاعی قرار می گیرد. جنگ کومه له جنگیست عادلانه و تعرضات کومه له نیز در کنار شعار صلح و آتش بس بی قید و شرط قابل توجیه و عادلانه میباشد.

اکثر جریانات چپ با تحریف و اقمیبات ماهیت جنگ را مسخ می کنند از جمله خیال پردازان مریخ نمین وحدت کمونیستی که جنگ را در ادامه سیاستهای قلدرمندان بورژوازی حزب در قبال رشد ادبکا نیزم در کردستان نمی دانند بلکه بانقی طبقات در کردستان هرگونه جنبه طبقاتی جنگ را نیز تخطئه و تحریف کرده و از او به عشره ای جنگ را مورد بررسی قرار میدهند. و با چریکهای (عشرف) با خواندن جنگی ناعادلانه و برادرکسی و حقیر و غیره هر دو طرف را مقصر اصلی قلمداد کرده و ادامه جنگ را نیز ناشی از سیاستهای انحرافی هر دو نیرو میداند مسئله ای که هیچ گونه ربطی به مقوله طبقات نداشت و با در هوا از عدم احساس مسئولیتها ناشی شده و بهش می رود و تا جایی نیز می رود که عملا سدره امیر زات خدا میریالیستی دیگر نیروها یعنی چریکهای با رتمیزان میشود. اما بالاخره معلوم نیست چگونه و از طرف چه کسانی چنین مانعی بوجود

می‌باید و با لاف‌ها منحصر نمی‌شود که وقتی چریک‌ها ی‌ضدا میربا لیست یا از گلیم خود بیرون گذاشته و راه‌سی مبارزه با گشای زنجیری میشوند بوسیله چه کسانی آتش‌لاش شده و فزاد را برقرار ترجیح میدهند و اگر اوضاع اینطور بیش برود معلوم نیست تکلیف امیربا لیست و گشای چه خواهند شد. و با "آرخا" جنگ را از بهین بست رسیدن دمکراسی خرده بورژوازی در جنبش تحلیل میکنند. دمکراسی که حزب دموکرات و کومله هر دو بعنوان فتراکسیونهای مختلف خرده بورژوازی جهت بست آوردن همگامی جنبش برای مذاکره "سازش" برچشمش را بردوش میکنند (البته در عالم خیال) همه را با یک چوب راندن موجب فادمانی و آسوده گشت فقط پایر مواظب بود که در این پروسه خوابهای لحظه‌ای غفلتاً به سراغ آدم نیایند. زیرا که ممکن است در همان موقع چوب رایکی از آنان ربوده و لحظه‌ای که از زور خواب چشم‌پوشی هم می‌افتند شروع به کوبیدن نموده و جریان روستای "هوتاسر" را تکرار کنند که در آن "رفقای" آرخا بهرمان رفقای چریک در ۶۴/۶۷/۶۸ که راه‌سی مبارزه با امیربا لیست بودند توسط افراد حزب کتک کاری و خلع سلاح میشوند.

کلیه این جریانات با ریختن اشک تماش "به جنگ برادر کشی" با جنگی که گویا دارای ماهیت طبقاتی نیست و از علل طبقاتی رشد نگرفته است (چیزی که حزب دموکرات با تو تو قدرت تمام برای به انحراف کشانیدن نهیت توده‌های زحمتکش تبلیغ و تلاش میکند) عملاً آب به آسیاب سیاستهای غیر دموکراتیک و ضدا انقلابی می‌ریزند. ولی بطور فسرده، واقعیات و حرکت از آن روشن میکنند که حقیقتاً از و به ای جنگ جنگ کمونیسم و آنتی کمونیست‌هاست چرا که حزب دمکرات نه تنها ضد کمونیست است بلکه از رشد و باگیری هر نوع رادیکالیزم نیز هراسان است. جنگ جنگ دمکراسی و ضد دموکراسی است. اساس تضاد واقعی که بین جنب و کومله و تمام جریانات چپ رادیکال عمل کرده و میکنند اینست که حزب دانستاً خواسته آزادی سیاسی کومله و جریانات فعال رادیکال دیگر را سلب نماید. این مسئله در رابطه با کومله از ویژگی خاصی برخوردار بوده زیرا که امروز به عنوان مانع راه حزب در اعمال دیکتاتوری و حاکمیت اودر کرستان میباشد. حزبی که برای اعمال و پیش برد سیاستهای حقی کار کمسیون تحقیق را نیز آشکارا بهین بست کشانیده و چهره بی‌نور "دمکرات" خویش را بنمایش گذاشت. تا کورها هم ببینند و اعتراف کنند.

← اهداف حزب از جنگ فعلی همانطور که بررسی شد از یک طرف سرکوب رادیکالیزم از طریق سیاستهای آنتی

کمونیستی و ضددموکراتیک است و از طرف دیگر سیاستهای سازش و مصلحت را دنبال و توجیه میکند. توجیه سیاست انورتیبه طلبی حزب چه در نزدیکی به جمهوری اسلامی وجه در رابطه با رویه کمونیستهای شوروی (فداکارترین یا ران حزب در جنگ فعلی) .

و اما سیاستهایی که تحمیل از طرف کومه له دنبال میشود نشان دادن دو قطب در کردستان (قطبی که مدافع رادیکالیزم و طرفداران ما به پیگردخیش انقلابی است و قطب بورژوازی که در حدود ما مله برای سازش و به شکست کفایت جنبش است) و با هم چنین نشان دادن قدرت رادیکالیزم در کردستان در مقابل با بورژوازی مسمی که کمر به نابودیش بسته که تعرض متقابل و دفاع فعال کومه له در جنگ هورامان تبلور همان سیاست بود.

..... ضد انقلابی حزب دموکرات جنگی فرسایشی که هرگز پیروزی طرفین را صرفاً میدان های درگیری تعیین نخواهد کرده پیروزی طرفین در این جنگ در گرو جلب حمایت توده هاست .

جنگ فعلی گذشته از نفعیهای موجود که در این حول و حوش و با از طرف جریانات فکری متفاوت بیان میشوند، حقایق را از دل واقعیات بیرون کشیده حتی اگر کومه له در این جنگ به فرض محال از زمین بیرون حزب دمکرات از یک حزب بورژوازی مصلحت طلب و سازش کار و شناخته شده در نزد مردم به حزبی خرده بورژوازی مدافع حقوق زحمتکشان برای فریب توده ها با تنزل پیدا نخواهد کرد و نخواهد توانست سیاستهای عوام فریبانه اش را مثل سابق با تزئین کردن مسائل کارگران و زحمتکشان دنبال کند .

وظایف کمونیستی در قبال این مسئله .

اشاره شده که بررسی جنگ میبایستی از سیاستهای که لاجرم منجر به این مسئله شده اند تحلیل گردد و در این زمینه نباید انتقادات به این یا آن جا بگرین تحلیل علمی گفته و وظایف بر آن پایه تعیین کردند . بر مبنای چنین تحلیلی ، اینک شعار آتش بس بی قید و شرط شعار است اصولی و عملی و کمونیستها باید در این رابطه تلاش نمایند .

عملی ساختن این شعار از طریق مبارزه در راه دمکراسی انقلابی و حمایت از نیروهای صلح طلب از راه و به افشای عملکردهای ضد انقلابی و ضد دمکراسی حزب دمکرات بعنوان آغازگر و ادامه دهنده جنگ و متفرد ساختن آن در میان توده ها از طریق اعمال اتوریته برای کفایت حزب به قبول این سیاست .

صف بندی در مقابل حزب که میباید این طیف با تلاش تمام کمونیستها از لحاظ سیاسی تقویت شده و از لحاظ

**نشان کمونیسم راستین، قطع رابطه با ایورتونیسیم است! (ننین)**

تشکیلاتی نیز بناچار تقویت میگردد. والا تا زمانی که حزب قدرت دارد میتواند بر توهماستی دامن زند  
هرگز به قبول چنین سیاستهایی تن نمیدهد. پروسه‌ای که حزب در این رابطه پشت سر گذاشته نشان دهند  
آنست که هیئت‌های تحقیق و غیره هم جوابگوی مسائل نبوده‌ و نمی‌توانند سدره‌ا توطنه‌های حزب گردند.  
حزب را بعنوان سدره‌مکراسی در پیش بر جنبش انقلابی، از طریق مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی به  
دست گرفتن رهبری جنبش که همراه با افشا عملگرهای بی حزب در عرصه‌های عملی و نظری خواهد بود می‌توان  
تضعیف کرد. مسئله‌ای که به قدرت و قوت جنبش هر چه <sup>انقلابی</sup> بیشتر خواهد افزود و تنها قدرت جنبش انقلابی  
خواهد توانست سازشکاران را از زمین ببرد.

زندبا جنبش انقلابی <sup>خون</sup> کرد

نابود با سازشکاران و ارتجاع بهمن ۶۸

خون پیشمرگ‌ها

کوهساران

زخون پیشمرگ‌ها

سرخ است

بسان طلوع!

آن طلوع سوسالیسم است

آن فریاد رنجکشان تاریخ است

ای مادران رنجدید!

نگرید

دشمن نباید اشکتان را ببیند

ای کودکان گرسنه‌ی گرد

نگرید

دشمن نباید اشکتان را ببیند

اشکتان را

کینه کنید

ای ستدیدگان

اشکتان را

کلبه کنید

چون خون پیشمرگ‌ها!

فردای سرخ در نه‌آلتیو اسناد در

۷۹ بررسی ۵۰۰ (پیرامون ساخت جامعه و

و مرحله انقلاب - نقدی بر صواکتنگره دم

"سازمان پیکار ۱۰۰" مدرج در نشریه "پیکار

شهریک ۲" ج ۱۰ س

۸۱ بررسی ۶۰۰۰ (تولد جریان ۰۸

آغاز حیات جنبش کمونیستی نون ایران) ج ۱۰ س

۸۲ ضمیمه ۱ بررسی ۱۰۰ (درباره خرد - بورژوازی

رادیکال) ج ۱۰ س

۸۳ ضمیمه ۲ بررسی ۱۰۰۰ (اپور تونیم و انقلابگری

خرد - بورژوازی رادیکال) ج ۲۰ س

۸۵ پیکارگر شماره ۷ پیکارگر

۸۷ پیکارگر شماره ۱۱ پیکارگر



یاد رفیق پیکارگر شهید طبرضا سعادت گرامی باد

پیکارگران زیادی بودند که در سنگر کردستان قهرمان و همراهِ زحمکشان و کارگران این سرزمین برای ناپیدی سرطیه داری و برپائی سوسیالیسم مبارزه کردند و در رواروش با رژیم سرطیه داری جمهوری اسلامی و حزب دمکرات این نمایند ۵ بورژوازی کردستان به شهادت رسیدند ، رفیق طبرضا سعادت نیایکی (دکتر محسن) یکی از این قهرمانانست .

رفیق طبرضا ، در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده متوسط در شهرستان آمل متولد شد ، دوران دبیرستان را در این شهرستان بسر برد ، در سال ۱۳۵۰ به دانشکده پزشکی دانشکده تهران راه یافت . در دوران دانشکده وی بتدریج جذب فعالیت‌های صنفی - سیاسی و مبارزات دانشجویی گشت و در مدت اندکی به یک دانشجوی فعال در عرصه مبارزات دانشجویی تبدیل گشت . رفیق در دانشکده دست به تشکیل یک محفل سیاسی - انقلابی زد که هوادار سازمان مجاهدین خلق بود این محفل انقلابی با معادله یک دستگه ماشین پلی کپی از یکی از مدارس ، مبارزه خود را وارد عرصه صنفی کرد و محور کار خود را تکثیر اعلامیه های سازمان مجاهدین و پخش و وسیع آنها در میان توددها قرار داد و در کنار آن برای ارتقاء سطح شوریک خود به مطالعه کتب و آثار انقلابی و همچنین مارکسیستی میپرداخت . پس از مدتی رفیق به همراه دیگر رفقای محفل خویش ، بلحاظ لورنتن برای رژیم و نیز بمنظور تداوم مبارزه حرفه‌ای و انقلابی ، بصورت نیده مخفی درآمد و با ترک تحصیل و لاجرم خارج شدن کامل از صحنه فعالیت‌های دانشجویی سوی یک مبارزه حرفه‌ای - مخفی مستعبری نمود . رفیق طبرضا از اولیت رفتاری بود که در محفل مارکسیسم - لنینیسم را قبیله کرد . در خرداد ماه ۵۵ در حالیکه گروه تقریباً شکل حرفه‌ای - مخفی بخود گرفته بود ، ارتباط آن با سازمان وصله کردید و سرعاً در این تشکیلات ادغام گردید و کلیه امکانات آن در اختیار سازمان قرار گرفت . رفیق طبرضا در فعالیت‌های گروهی از نظم و انضباط شایسته توجیه برخوردار بود و در برکای و بیگیری در انجام وظایف انقلابی خود نمونه بود . در همین زمان خصوصیات بارز یک انقلاب حرفه‌ای را در خود نشان میداد . و همپس از ارتباط گیری با سازمان ، به آرزوی دیرینه انقلابی خود دست یافت و از این پس فعالانه به کار در سازمان مجاهدین پرداخت و تمام شور انقلابی و استعداد های خویش را در خدمت اهداف آن قرار داد . در سال ۵۷ رفیق در بخش انتشاراتی سازمان سازماندهی شد و در آنجا فعالانه به کار پرداخت . پس از تیار رفیق بلحاظ شرائطی که بوجود آمد ۵ بود بعنوان یکی از اعضای کمیته شمال (مسئول آن) ، به منطقه فرستاده شده و در آنجا در گسترش پایه های سازمان در این منطقه فعالانه کوشید . رفیق طبرضا (سعید) در سال ۵۸ بلحاظ توانائی در زمینه پزشکی و نیز از آن منطقه کردستان ، بعنوان یک کادر تشکیلاتی و تحت نام مستعار "دکتر محسن" به منطقه کردستان فرستاده شد . وی در مدت ۱ سال فعالیت توددهای ، بعنوان یک پزشک در روستاهای کردستان ، در عرض مدت کوتاهی ، توجه وسیع زحمکشان را به خود جلب نمود و بلحاظ خصوصیات توددهای و عشق بی پایانش به زحمکشان و نفرت طبقاتی اش از بورژوازی

حاکم، پیوند عمیقی میان خود - و تشکیلات سازمان در کردستان با تود هها برقرار نمود. نام "دکتر محسن" در مناطق وسیعی از روستاهای کردستان زباز زد زحمتگشان کرد و دهقانان فقیر آنجا بود. رفیق طیرضا (دکتر محسن) با تحمل تمام مشقات و شدائدی که ضد انقلاب حاکم بر اثر سرکوب و ستم ملی و طبقاتی در کردستان بوجود آورد بود و با تحمل سخت ترین شرایط زندگی، با عشق و شور و صفا ناپذیری به تود هها و اهداف انقلابی سازمان و آرمان کمونیسم بدون وقفه و وظایف خویش را بمنظور کار در میان تود هها، گسترش و توسعه پیوند سازمان با خلق کرد، از مجرا ک کار پرشکر پیش میبرد و حتی یک لحظه از انجام این وظایف احساس خستگی نمیکرد. پیوند انقلابی رفیق با تود ههای کرد و محیبوی وی چنان بود که زمانی که در جریان حمله ضد انقلابی حزب دیکرات به مقر سازمان در بوکان (که منجر به شهادت سه رفیق م شد) این شایعه منتشر گردید که دکتر محسن نیز در این درگیری شهادت رسیده است، تاثر و ناراحتی زاید لوصفی حاکی از کینه و نفرت نسبت به عمل جنایتکارانه حزب دیکرات در میان دهقانانی که رفیق را میشناختند بوجود آمد. رفیق طیرضا تا اوایل سال جاری در کردستان همچنان به وظایف انقلابی مشغول بود تا اینکه به لحاظ تغییراتی در سازمان دهی به تهران منتقل گردید. این انتقال مصادف با آغاز حملات سرکوبگرانه رژیم در دوره اخیر بود. در این زمان رفیق موقتاً در منزل یکی از رفقای تشکیلات مسکن گزید. اما متأسفانه این خانه که از قبل مورد شناسائی رژیم قرار گرفته بود، مورد یورش سبعمانه آن قرار گرفت و در این یورش رفیق طیرضا به همراه رفیق صاحبخانه و نیز دو رفیق پیشمرکه دیگر که در آنجا بسر میبردند، دستگیر شدند. سرانجام رفیق طیرضا، با سه رفیق دیگر پس از تحمل بیش از دو ماه شکنجه و زندان، به همراه چند تن از رفقای دیگر از جمله رفیق شهید جلیل سید احمدیان بدست جلادان رژیم به جوخه اعدام سپرده شدند و رژیم جلاد حاکم خبر آن را در روز ۶۰/۶/۲۵ در نشریات مزد و رشاعلام کرد، بی شک رفیق در زندان مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفته است. رفیق طیرضا به لحاظ سابقه مبارزاتی اش برای رژیم فردی شناخته شد بود و رژیم او را بعنوان یک کادر تشکیلاتی سازمان میشناخت. رژیم خام خیالانه کوشید تا با این شکنجه ها از رفیق اطلاعات تشکیلات انقلابی اخراج بیرون کند و یا روحیه وی را دهبشکند. لیکن او نپسندد که زبان رفقای کمونیستی چون طیرضا دستخسکی است که هرگز بر روی دشمن باز نمی شود. همچنان که قلب آنها بر برج و باروی بلندی است که هرگز در دروازه های خود را بر روی دشمن باز نمی کند. شور بی پایان، آرزوخواهی پر شکوه و وفاداری وی به منافع طبقه کارگر و زحمتگشان و نیز اهداف

**جنگ ارتجاعی میان سرمایه داران دو کشور، برای توده های ایران و عراق فقط فـلاکت و بدبختی بیار آورده است**

انقلابی سازمان بیشک این را کواهی میدهد که رفیق در زیر شکنجه های وحشیانه رژیم، سرسختانه مقاومت کرد. است و با مقاومت دلیرانه اش نقشه های رژیم را برای برانودر آوردن وی و گرفتن اطلاعات تشکیلاتی از او نقش بر آب نمود. است. بپتدید وی در آخرین لحظات زندگی انقلابی اش، و در برابر جوخه اعدا۱۱ سرود سخ سوسالیسم و انقلاب را بر زبان داشته است. یادش گرامی باد!

گرامی باد یاد رفیق پیکارگر پیشمرگ شهید عطاالبرازنده

رفیق عطاالبرازنده در سال ۱۳۳۵ در روستای علی آباد دریک خانواده زحمتکش در منطقه افشار تکاب بدنیآ آمد. از همان دوران کودکی با فقر و محرومیت تد ههای ستدید ه دهقانی آشنا شد. رفیق در سال ۱۳۵۵ وارد دانشکده دامپوری ایلام شد. و بصورتیکی از فعالین جنبش دانشجویی درآمد. رفیق در دوران شکو همنند قیام بهمه ما ه فعالان شرکت داشت و ازجاک ما به میگذاشت و در همان زمان بخاطر انجام وظایف انقلابی ه و اداری سازمان پیکار را پذیرفته بود. رفیق بهنگام برداشت محصولات کشاورزی در مراد - شهریم سال ۵۸ در منطق افشار کم. مبارزات جاری میان تود ههای فقیر کشاورز و اربابان در آن منطق جریان داشت با شرکت فعال خود در این مبارزه و هدایت آن توانسته تود هها را متشکل کند. رفیق در جریان یورش دم ارتجاع و جنگ سندیج در کنار خلق کرد و سازمان ما صمیانه و با انرژی هر چه بیشتر بفعالیت پرداخت و او که خود نمون. درخشانی از انضباط پذیری در کار تشکیلاتی و سیاسی بود، اجازه نداد که منافع فردی و یا دلبستگی بزندگی عادی خللی در اداره مسم و پولادیش وارد آورد.

رفیق عطا بهنگام اجرای ماموریت تدارکاتی در تاریخ ۹/۷/۱۲ در جاده سقز - بانه بوسیله مزدوران جنایت پیشه دشمن شناسایی شد و مورد حمله قرار گرفت رفیق عطا اله قهرمان رفیق دیگرش دلاورانه جنگید و در حالیکه قهرمانانه میرزید مورد اصابت نارنجک دشمن قرار گرفته و بهر شهادت رسید و غنچه ای دیگر از جوانان انقلابی کردستان به گل نشست. یادش گرامی باد!

دو صفحه ۳۳

۲۱۳ - مرتضی	محدی محب	۶۰/۶/۱۱	تهران	تیرباران
۲۱۴ - علی اکبر	محمودی	۶۰/۵/۲۶	مشهد	تیرباران
۲۱۵ - عزیز	مشیری	۶۰		تیرباران
۲۱۶ - حمید رضا	مقدس	۶۰/۵/۲۰	تبریز	تیرباران
۲۱۷ - محمود	مقدم	۶۰/۵/۲۴	تهران	تیرباران
۲۱۸ - بهجت	ملك			تیرباران
۲۱۹ - حجت اله	ملك	۶۰/۴/۲۱	اراک	تیرباران دیپلم
۲۲۰ - بهجت ملكمعدی		۶۰/۵/۷	تبریز	تیرباران مهندس

زنده باد کمونیسم

آرشیو استسازمان پیکارگر در راه آزادی طبقات کارگر



گرامی باد خاطره رفیق شهید محمد حاج شفیعها

در آخرین منت آبانماه سال ۱۳۵۵ بخش مشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران یکی از انقلابیون فدائیان را کسالها در راه آزادی توده های تحت ستم میهن ما بجارزه برخاسته بود از دست داد .

رفیق محمد حاج شفیعها در آن سالها ی سیاه که معیار مبارز و انقلابی بود در میدان های سخت نبرد محک زده میشد در یکی از خیابانهای تهران بدست جلادان رژیم شاه شهید شهادت رسید .

رفیق در سال ۱۳۲۸ در تهران متولد شد و پس از تحصیل در دبیرستان شریعتی (پهلوی) وارد دا

نشکده پلی تکنیک تهران شد . در سال ۵۰ برادر بزرگتر رفیق ، شهید مرتضی که دانشجوی دانشکده شیراز بود ، به اتفاق یک دانشجوی دیگر در اثر انفجار بمب شهید شد . بر خلاف ادعای رژیم که اعلام کرد آنها در حال ساختن بمب شهید شد اند رفیق محمد معتقد بود که ساواک در اطاق او بمب گذاشته است .

پس از حادثه محمد در دانشکده خود دست به افشاگری وسیع زد . و سپس برای ادامه مبارزه انقلابی مخفی شد . رفیق با پذیرفتن علم رهایی زحمتکش و گردیدن بر مارکسیسم لنینیسم در بخش مشعب از سازمان مجاهدین خلق به فعالیتهای انقلابی اش ادامه داد رفیق یکی از مبارزین فعال در بخش کارگری سازمان بود و در انتشار نشریه کارگری "قیام کارگر" نقش ارزنده ای داشت . یاد رفیق و همزمانش ، تجلیل از مبارزه آنان و تجدید عهد با آرمان مبارزینی است که با مرزندی با سازشکاری و در از حسابگیری های سیاسی در راه دشوار انقلاب قهرآمیز توده ها به پیکار برخاسته . واعتقاد است خود را با علی انقلابی در آمیختند . یادش گرامی باد ۱

۲۲۱ - فرخنده مونی	۶۱/۷/۲۶	بندر عباس	تیرباران
۲۲۲ - بهجت (اعظم) مهربادی	۶۲/۲/۵	تهران	تیرباران دانشجو
۲۲۳ - کاظم نادری	۶۰/۵/۲۳		
۲۲۴ - جمیله ناصری	۶۰/۶/۱۰	اهواز	تیرباران
۲۲۵ - داریوش ناصری	دی ۶۰		مهندس
۲۲۶ - یوسف نظرم	۶۰/۷/۱۷	بندر عباس	تیرباران
۲۲۷ - منوچهر نظریان		تبریز	
۲۲۸ - حمید نوروند	۶۰/۸/۱۸	تبریز	تیرباران
۲۲۹ - داریوش نیکوبین	۶۰/۵/۱۳	تهران	تیرباران
۲۳۰ - مجید نگهدار	۶۰/۴/۲۶	تهران	تیرباران
۲۳۱ - عبدالمجید فیاض			

ادامه دارد

زنده باد سوسالسم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مارک در باره اعدام - ترجمه خا و ر - استخراج از کتاب جمعه با شماره ۲، ۲

# مجازات اعدام کارل مارکس

روزنامه تابین مورخ ۲۵ ژانویه [ ۱۸۵۲ ] در مقاله ای تحت عنوان " حلق آویز شدن افراد معمولی " به نکات زیر اشاره دارد:

" غالباً با ورساین است که در این کشور، در پی اعدام ها شی که در انتظار مردم انجام می گیرد، بلافاصله شاهد مرگ ها می هستیم که در اثر حلق آویز شدن، خودکشی یا تعادف، خدا - و م می باید. این وقایع نتیجه تاثیر بسیار قوی اعدام گ جنايتکار معروف بر روی ادهان بیمارگونه بارشده نا بافته است. " روزنامه تابینز، متعاقباً موارد متعددی را بر مبنای شمار و مدعی است که این موارد نما بان گرموضوع فوق است. از آن حمله است نموی های

در " شیلد " که طی آن دیوانه های پیرویک بگو مگو با افرادی چون خودش در مورد سه دار آویختن فردی به نام " باریور " با حلق آویز کردن خود به زندگیش خاتمه می بخشد. مورد دیگر مربوط به یک پسر بچه ۱۴ ساله است که خود را حلق آویز کرد.

پرسیدنی است که بر شماری این موارد، در خدمت حمایت از چه آشنی است ؟ چیزی که هیچ آدم معمولی نمی تواند آن را حدس بزند، زیرا این شکل سر خورد چیزی نیست مگر گونه ای تمعید و باز گذاشتن دست جلاد، زیرا در اینجا حکم اعدام مبتنا به خردفا شری جا معه ستایش شده است، آنهم در مقاله ای ماسی در " مهمترین روزنامه کشور ".

روزنامه مورنینگ ادورتایزر ( MORNING ADVERTISER )، جانمندی از جوسه دار و منطق خونبار تابینز را بشدت و به حق مورد نقد قرار می دهد. همین روزنامه داده های مورد توجه زیر را برای ۲۳ روز از سال ۱۸۲۹ ارائه می دهد ( مورنینگ ادورتایزر، مورخ ۲۶ ژانویه ۱۸۵۲ ).

تاریخ و نام اعدام شدگان	قتل و خودکشی
۲۰ مارس	هانا ساندلی
۲۰ مارس	ام. ج. نیوتون
۲۷ مارس	ج. که. گلبسون
	۲ مورد قتل لیورپول
۳۱ مارس	قتل و خودکشی در کمتر ۲ آوریل
	قتل بر اثر سمومیت دیات ۷ آوریل
۹ آوریل	ج. ج. وارنما در خود را می ۸ مارس ۱۳ آوریل
	باردلیسی ۱۴ آوریل
	باکسی قتل والدین ۱۴ آوریل

هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید. " لنین "

ج. بیلی دوفرزند نمود  
را به قتل می رساند و  
خودکشی می کند

چارلز اورتون  
دانش. هولمز  
۲۱۸ ورسل  
۲ مه

ج. گرفت  
ج. آتش  
۲۱۸ ورسل  
۲۱ ورسل

جدول فوق، همانطور که روزنامه تا میز نیز بیان اذعان دارد، نه تنها تعداد خودکشی‌ها، بلکه تعداد قتل‌های بسیار سفیدی را، که متعاقباً اعدا محاکمات را نرختاده است، نیز بر می شمارد.

جای نگفتی است که مقاله مورد بحث تا بیمز، برای نظریه وحشیانه‌ای که از آن به حمایت برخاسته است، هیچ گونه دلیل یا مستمکی که بشود بر مبنای آن درستی یا سوسه مند بودن سنای حکم اعدا مراد پذیرفت، ارائه نمی دهد. دشوار، اگر نگوییم غیر ممکن است که در حاصی که به متعین بودن خود مباحات دارد، اصلی را مستقر کند که بر اساس آن، سرحق یا شریختی بودن حکم اعدا پذیرفته شود.

در اینجا مجازات بطور کلی بعنوان وسیله جهت اصلاح و انصراف بزه کاران — مورد پشتیبانی قرار می گیرد. اما، چه کسی حق دارد مرا، به منظور اصلاح و منحرف ساختن دیگران مجازات کند؟!

از سوی دیگر تاریخ، آری در این باره آمار و ارقام موجود دارند، به کامل ترین وجهی از زمان قابل به آن سو، ثابت کرده است که هیچگاه آدسان در دستخه مجازات نه اصلاح و نه منصرف شده اند. بلکه قضا درست عکس آن بوده است.

از نقطه نظر " حقوق محرد " تنها یک نشوری وجود دارد که ارزش انسانی را در انتزاع بازمی شناسد، و آنهم نشوری متعلق به کاست است، سوزده در فورمول بندی سنا رخنگی که هکل از آن ارائه می دهد. هکل به ما می گوید: " معارای حق یک حناستکار است. اسس عملی است سانی از اراده شخصی خود او. حناستکار با تعارضه حق، آن حق را از آن خود اعلام می کند. حناست او نفی حق است. مجازات نفی اس نفی است و در نتیجه، اشکات حق که توسط خود حناستکار برانگیخته شده، بواسطه خود او سروی بحمل شده است " .

شکی نیست که در اس فرمول بندی مطلب و سزه ای وجود دارد، ساس معنی که هکسل به های اس که حناستکار را به عنوان یک " موضوع صرف " برده عدالت در نظر نگردد، او را تا حدیک موجود آزاد و خود مختار ارتقا می دهد. درنگاه دقیق تر در خواهم یافت که اندالسم آلمانی در اینجا سرحون سارموارد، سنی سراس دارد، به فواسن حاصه موجود حناست متعالی اعطا کند.

آنا در واقع اس یک توهم نیست که اس انتزاع " اراده آزاد " را بگریس فردی شود با انگیزه های واقعی، و وصیت های گوناگون اجتماعی که بر او سبکی می کند؟ و یکی از کسب های انسان را بگریس خود اسان شود؟ اس نظریه که معازات را نتیجه اراده خود حانی می سمد، در نهایت جزئی نیست مگر همان اصطلاح سنا سزگی ( ماورا الطبیعی ) قدسی ( قانون قصاص )، جنم در سراسرحم، دندان در مقابل دندان، بدون شنسنت

پیروزیاد جنبش انقلابی خلق کرد

از شیو استناد سبازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

به شرح و تفسیر بیشتر، معازات بیزی نسبت مگروسله‌ای برای جامعه جهت دفاع از خود در برابر تها می آن چیزهایی که شرایط موجود است آنرا نقض می کند. حال غلبه آن هر چه می خواهد باشد.

این جهنم حاکمه رقت انگیزی است که وسله‌ای برای دفاع از خود در جلادسی باشد و تازه به خود حرات می دهد از طریق صدای " روریا مه مهم جهان " اعلام کند که اعمال جنوس

وی ، یک قانون طبیعی است !

۲.م. کتله، ( QUETELET, H.A. ) در اثر بسیار عالمانه و ارزشمند خود: انسان و استعدادها پیش می آید: " ما بوجه قابل ملاحظه‌ای را با انتظام و محنتناکی به اداره زندان ها ، بازداشتگاه ها ، جوبه های دارو... اختصاص می دهیم . ما حتی می توانیم پیش بینی کنیم که چه تعداد افراد دست خود را به خون آیندگان آلوده خواهند کرد و چه تعداد حامل و مسموم کننده خواهند بود، تقریباً به همان گونه که می توانیم تعداد درازا دولد و مرگ و میرهای سالانه را پیش بینی کنیم.

۲.م. کتله، در یک جدول احتمالات، منتشره در سال ۱۸۲۹، با دقت حیرت انگیزی، نه تنها انواع، که طبیعت و علت جنایات متعددی در فرانسه را برای سال ۱۸۲۰ پیش بینی کرد. این را که مقدار میانگینی از جنایات در میان بخش معینی از یک جامعه در کل نتیجه انواع و احوال جامعه بورژوازی معاشرت و نه آنقدرها حاصل نهادهای ویژه سیاسی آن کشور می توان از جدول زیر، که توسط کتله برای سال های ( ۲۴ - ۱۸۲۲ ) عرضه شده، مشاهده کرد:

از تعداد یک صدجانی محکوم در آدریسا و فرانسه جدول زیر به دست می آید:

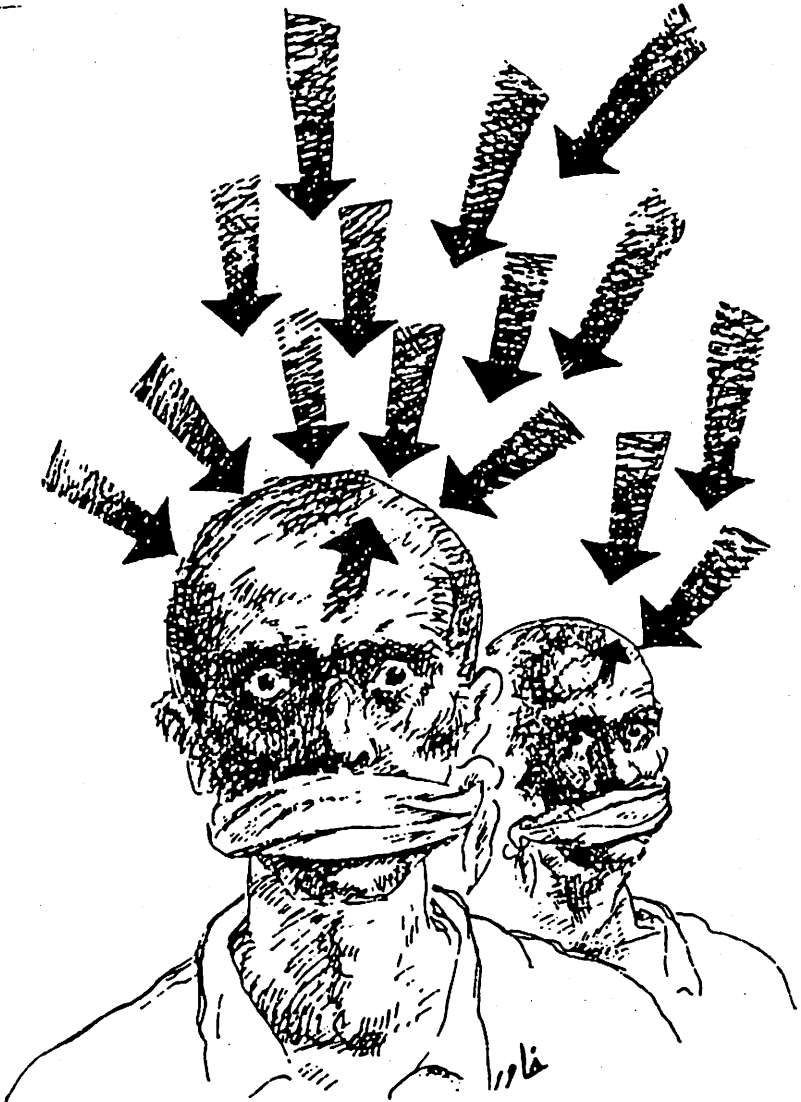
فرانسه	فیلادلفیا	ن
۱۹	۱۹	زیر ۲۱ سال
۳۵	۲۲	۲۱ تا ۳۰ سال
۲۲	۲۲	۳۰ تا ۴۰ سال
۲۲	۱۲	بیش از ۴۰ سال
۱۰۰	۱۰۰	جمع

بنا بر این، اگر جنایات با چنین درجه بالایی از نظم چون نظم پدیده های مادی ( فیزیکی )، چه در کمیت و چه در گوناگوش ( رده بندی آن )، رخ می دهد، چنانچه کتله اشاره می کند، " دشوار و سخاوتمندانه تخمین کرده که کداسیک از این علل ( جهان مادی و نظام اجتماعی ) تا غیر منظم تری دارند؟ آیا لازم نیست در مورد وسائل تخمین نظامی که شما می این جنایات را بوجود می آورد، عمیقاً اندیشید، تا این که آهنگ ستایشی درباره جلا د سردهم، همان جلادی که با اعدام یک دسته از جنایتکاران، جا را برای فردهای بعدی باز می کند؟

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری

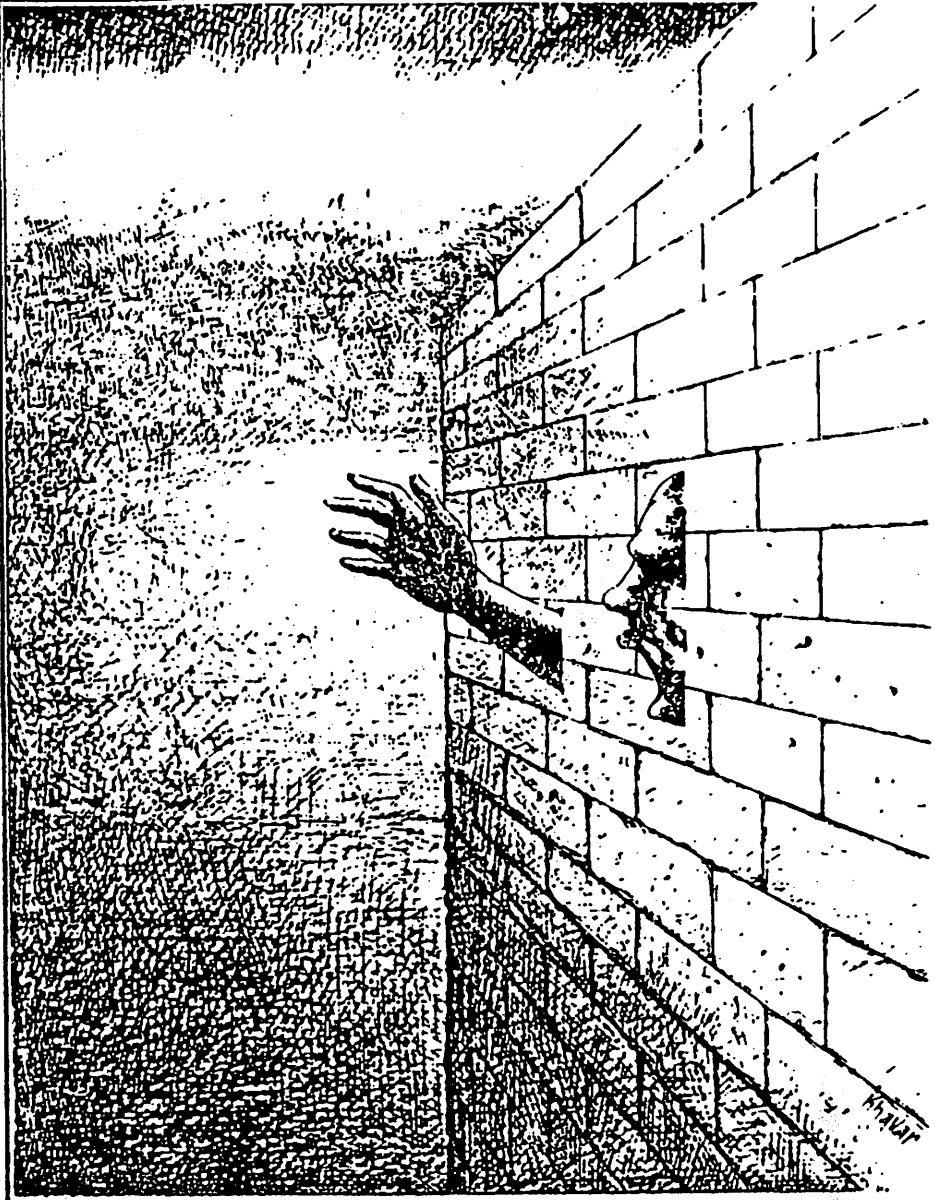
از شیو استاد جوان پیکارگر راه آزادی طبقه کارگر

ترجمه از برگردان فرانسه مقاله انگلیسی کارل مارکس  
منتشره در شماره ۳۴۹۶ روزنامه  
شهریورک دہلی تریبون ، مورخ ۱۷ فوریه ۱۸۵۲



ننگ و نفرت بر حزب خائن توده‌عامل و  
کارگزار سوسیال امپریالیسم شوروی

آرشیو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



زندانی سیاسی بی هیچ قید و شرطی آزاد

آرشیو استنادی کارگران باید گردد! طبقه کارگر



حکم اعدام لغو باید گردد؛ طوقه کارگر



درونده ۲۲



خاطره بر شکوه یاران شهید،  
رفقای بخش منشعب از سازمان  
مجاهدین خلق را گرامی میداریم

گرامی یاد خاطره رفیق شهید محمد حاج شفیعیها

## انتشارات پیکارگر

نشریات زیر موجود هستند:

- |                                              |               |
|----------------------------------------------|---------------|
| شماره نشریه نام نویسنده                      |               |
| ۱ پیکارگر شماره ۴                            | پیکارگر       |
| ۲ پیکارگر شماره ۵                            | پیکارگر       |
| ۱۰ مبارزه مسلحانه جدا از توده                | لنین          |
| ۱۱ جنگ پارتیزانی                             | لنین          |
| ۱۲ پیش از توپان                              | لنین          |
| ۱۳ درباره جنبش دمکراتیک و پیکار انقلابی      |               |
| کارگران (خطاب به جامعه کمونیست ۱۱ مارس ۱۸۵۰) | (مارکس-انگلس) |
| ۱۴ دولت                                      | لنین          |
| ۱۵ اعتلای انقلابی و مرحله انقلاب             | لنین          |
| ۱۶ جنبش دانشجویی                             | لنین          |
| ۱۷ پیکارگر شماره ۱                           | پیکارگر       |
| ۱۸ پیکارگر شماره ۸                           | پیکارگر       |

۷۵ بررسی مسائل انقلاب پرولتاری ۱ (نقدی بر نظرات "اگ" - پیرامون ساخت جامعه "جریات انقلاب سوسیالیستی")

۷۶ بررسی ۲۰۰۰ (انقلاب سوسیالیستی و دیدگاه بورژوازمیستی "اگ" ج ۱۰ س ۶)

۷۷ بررسی ۲۰۰ (درباره وایستکی - پیرامون ساخت جامعه "ج ۱۰ س")

۸۰ ضمیمه بررسی ۵۰۰ (روش برخورد با خرد بورژوازی در انقلاب پرولتاری) - "ج ۱ س" ۲۹

آدرس پستی پیکارگر

POSTLAGERKARTE

Nr. 010968 B

1000 BERLIN 120

برقرار باد وحدت انترناسیونالیستی

کارگران و زحمتکشان جهان بر علیه

امپریالیسم جهانی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر